

مقدمه‌ای بر ...

تاریخ شهر و شهرسازی جهان



گردآوری و تألیف:
مهندس نوید پورمحمد رضا

به نام پروردگار

مقدمه‌ای بر ...

تاریخ شهر و شهرسازی جهان

گردآوری و تألیف :

مهندس نوید پورمحمد رضا



نام جزوه :	مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرسازی جهان
گردآوری و تألیف :	مهندس نوید پورمحمدرضی
گرافیک و صفحه‌آرا :	مهندس میثم عطارزاده
صاحب امتیاز :	خانه شهرسازان ایران
نوبت چاپ :	اول - پاییز ۱۳۸۸
« کلیه حقوق این مجموعه برای خانه شهرسازان ایران محفوظ است »	

ارتباط با مؤسسه :

تهران - خ. شریعتی - بالاتر از پل سید خندان - روبه‌روی نمایندگی سایپا - بن بست خندان - پلاک ۲ - طبقه اول
شماره‌های تماس ۴۱-۲۲۸۷۴۵۴۰

فصل اول:

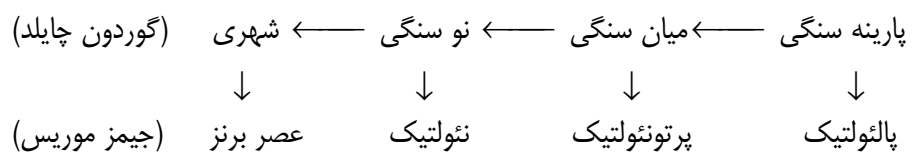
مفهوم شهر از دیدگاه اندیش‌پردازان

به طور کلی دو دیدگاه در خصوص شهر مطرح شده است که با توجه به آن، به بازخوانی مفهوم شهر می‌پردازند:

۱. تأکید بر مؤلفه‌های مادی و اقتصادی
 ۲. تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی
- دسته‌ی اول: عواملی مانند تولید، داد و ستد، مازاد محصول، تجارت و ... مهم هستند.
- دسته‌ی دوم: عواملی مانند شیوه‌ی زندگی، باورهای دینی، آیین‌های مذهبی و ... مهم هستند.

۱-۱ گوردون چاپلید (دسته اول)

مهم‌ترین نظریه‌پرداز دسته‌ی اول است که معتقد است عامل «مازاد محصول» باعث ایجاد شهر می‌شود. چاپلید در سال ۱۹۳۶ مقاله‌ی «انسان خود را می‌سازد» را می‌نویسد و در آن تاریخ بشر را به ۴ دوره تقسیم می‌کند:



پارینه سنگی: از ۱۰ میلیون سال پیش تا ۱۰ هزار سال پیش بوده است. محل سکونت انسان غار بوده و از طریق شکار، خوشه‌چینی و میوه‌چینی امرار معاش می‌کرده است.

میان سنگی: از ۱۰ هزار تا ۹ هزار سال پیش است. انسان کوچ‌نشین بوده (ایل و عشیره) و در کلبه‌های موقت سکونت داشته و فعالیت عمده‌اش دام‌داری و دام‌پروری یا به عبارتی اهلی کردن حیوانات بوده است.

نو سنگی: از ۹ هزار تا ۸ هزار سال پیش و در برخی نقاط تا ۶ هزار سال پیش را شامل می‌شود. انسان در این دوره یک‌جانشین است و در روستاها سکنی می‌گزیند و اقتصاد غالب کشاورزی و پرورش گیاه است.

شهری: از ۶ هزار سال پیش تا انقلاب صنعتی را در بر می‌گیرد. انسان در این دوره نیز یک‌جانشین است و در شهرها سکونت دارد. در این دوره بشر به فلزات دست پیدا می‌کند، خط شکل می‌گیرد و اولین تمدن‌های بشری شکل می‌گیرند.

* دوره‌ی نو سنگی توسط مورگان (ارائه دهنده‌ی نظریه‌ی توحش) «بربریت» هم خوانده می‌شود. چرا که آلودگی‌ها در آن زمان بسیار بدوی بودند.

چاپلید معتقد است گذر از هر مرحله به مرحله‌ی بعد همراه با مفهوم «انقلاب» است.

گذر از دوره‌ی نوسنگی به دوره‌ی شهری ...

با شکل‌گیری یک‌جانشینی در دوره‌ی نوسنگی، کشاورزی به اقتصاد غالب بدل می‌گردد. کشاورزی در ابتدا تنها جهت امرار معاش خانواده‌ها صورت می‌گرفته است؛ اما با گذر زمان و با افزایش تولیدات کشاورزی در روستاها، محصول نهایی بیش از نیاز خانواده‌ها شد. این امر سبب آزاد شدن نیروی کار کشاورزی شد. این نیروی کار آزاد شده به اموری هم‌چون تجارت و بازرگانی مبادرت ورزیدند و بدین ترتیب نطفه‌ی اولیه‌ی شهرها شکل گرفت. چایلد اذعان می‌کند که سکونت‌گاه‌های انسانی بعد از انقلاب شهری (شکل‌گیری شهرها) نسبت به سکونت‌گاه‌های پیش از خود دارای ۱۰ معیار متمایز کننده هستند:

۱. وسعت و تراکم جمعیتی بیشتر
۲. پیدایش متخصصان تمام وقت
۳. انباشت سرمایه در مرکزی مذهبی یا حکومتی
۴. بناهای عظیم یادمانی
۵. وجود طبقه‌ی حاکم
۶. پیدایش علوم نظیر ریاضی و نجوم
۷. کاربرد خط
۸. کاربرد گسترده‌ی هنر
۹. داد و ستد خارجی
۱۰. جایگزینی روابط شهری به جای روابط قومی

* در مورد نظریه‌ی چایلد، نظام آبیاری (نظریه‌ی هیدرولیک) هم گفته می‌شود.

۱-۲ جین جیکوبز (دسته اول)

وی به نوعی منتقد نظرات چایلد است. او در سال ۱۹۶۹ در کتاب «اقتصاد شهرها» برای اولین بار و به طور جدی نظریه‌ی تقدم کشاورزی (مازاد محصولات کشاورزی) بر پیدایش تمدن‌های شهری را زیر سؤال می‌برد. (در واقع نظریه‌ی چایلد را زیر سؤال می‌برد) و در رد این نظریه به یافته‌های باستان‌شناسی در منطقه‌ی چتل‌هووک^۱ استناد می‌کند. او اعتقاد دارد که در نمونه‌ی موردی او پیش از شکل‌گیری کشاورزی، شهرها شکل گرفته بودند. او نظریه‌ی خود را تحت عنوان نظریه‌ی «نئوآبسیدین» ارائه می‌دهد (اریحا^۲: شهر شکارچیان). بدین معنا که کشاورزی و دام‌پروری، خود محصول پیدایش شهرها بوده است. حال آن‌که نطفه‌ی اولیه‌ی شهرها را تجارت و بازرگانی شکل می‌داده است. (در چتل‌هووک مردم روی سنگ و شیشه تجارت می‌کردند.)

^۱ هزاره‌ی هفتم قبل از میلاد (۳۰۰۰ سال قبل از بین‌النهرین) در ترکیه‌ی امروزی ← آئاتولی

^۲ این شهر نیز به علت قدمتش، بحثی مشابه چتل‌هووک را به وجود آورده است.

۱-۳ امس راپوپورت (دسته دوم)

اساساً از نظر گاهی متفاوت از چایلد و جیکوبز بحث می‌کند. اساس کار او تحت عنوان «حوزه‌ی رفتارشناسی محیطی» مطرح می‌شود، و تمام کارهای او در همین راستا است. او هم‌چنین نویسنده‌ی مقاله‌ی «منشأ فرهنگی سکونت‌گاه‌ها» است که در این مقاله الگوهای انواع سکونت‌گاه‌ها را بر اساس رویکردی فرهنگی ارزیابی می‌کند.

واژگان کلیدی: الگو + سکونت‌گاه (نه شهر) + رویکرد فرهنگی

راپوپورت می‌گوید:

”محیط‌های انسان ساخت، بیان فیزیکی ساختارهای نظم‌دهی هستند. این ساختارها حاصل یک خصیصه‌ی کلی ذهن بشر است و آن خصیصه نیاز به نظم بخشیدن به جهان و معنی و مفهوم دادن به آن است. شکل انواع نظم‌ها بر اساس فرهنگ‌ها متفاوت است. تمامی محیط‌های انسان ساخت و بنابراین تمامی سکونت‌گاه‌ها دارای چنین نظم‌ی هستند، اما بعضی از این سکونت‌گاه‌ها به مناطق وسیعی نظم می‌بخشند، و به همین دلیل ما به آن‌ها شهر می‌گوییم.“

پس از نظر راپوپورت، شهر یعنی نظم دهنده‌ی بسیار وسیع

به اعتقاد او، عامل ایجاد کننده‌ی این نظم، مذهب یا آیین‌های مذهبی است، که بسیار مهم‌تر از عواملی مثل تجارت، بازار، آب و آبیاری، جنگ و ... است. راپوپورت نظام سکونت‌گاه‌ها یا هر محیط زیست انسانی را استوار بر ۴ عامل فضا، زمان، مفاهیم و روابط می‌داند. از نظر او شهر بستر پیچیده‌ی تداخل این عوامل است.

۱-۴ لوئیس مامفورد (از مهم‌ترین متفکران دسته دوم)

او معتقد است برای یافتن خاستگاه شهر نباید جستجو را به آثار و بقایای کالبدی محدود کرد. بلکه معتقد است، پیش از آن که شهر پدید آید، انسان‌ها برخی از کارکردهای شهری را انجام می‌دادند. بنابراین برای شناخت شهر باید ردپای آن را وارونه بیمائیم. یعنی از طریق شناخت ساختارها و عملکردها به شناخت شهر برسیم. بر اساس این نگاه، برخی از ریشه‌های زندگی شهری را می‌توان در دوران نو سنگی، میان سنگی و حتی پارینه سنگی جستجو نمود. (مصادیقی نظیر شهر مردگان و مراکز آیینی)

از نظر مامفورد شهر مردگان (قبرستان) پیشگام و تا حدودی هسته‌ی اولیه‌ی شهر زندگان است. آن‌جا که می‌گوید: ”در پرسه‌های ناآرام انسان دوران پارینه‌سنگی، مردگان نخستین سکونت‌گاه دائمی را از آن خود کردند.“

از نظر او شهر حاصل تمرکز عناصری است که پیش‌تر شکل گرفته بودند. یعنی پیوند عناصر دوران نوسنگی و پارینه‌سنگی. در دوران نوسنگی، فرهنگ، فرهنگی زنانه است. ولی در پارینه‌سنگی فرهنگی مردانه وجود دارد. چون پارینه‌سنگی با خشونت همراه است. اقتصاد غالب شکار است و عمده‌ی افراد شکارچی‌اند و عمدتاً مرد هستند. ابزارهای مورد استفاده نیزه، چکش و تیر و کمان است. در مقابل، نوسنگی دوران شکل‌گیری روستاها است. دورانی که عمدتاً زنان عناصری را به تاریخ مدنیت هدیه می‌کنند. مثل ظرف سفال شیر، صندلی‌های ابتدایی، قاشق و چنگال‌های اولیه و ...

پیوند این‌ها شهر را شکل می‌دهد. مامفورد چگونگی این تمرکز و پیوند این عناصر (عناصر نوسنگی و پارینه‌سنگی) را با اصطلاح «انفجار درونی شهرها»^۱ توصیف می‌کند. مهم‌ترین عامل در انفجار درونی شهرها، پادشاه یا نهاد پادشاهی است. در انفجار درونی شهر، پادشاه در کانون قرار دارد، و به اصطلاح قبله‌ی عالم است. او نیروی جاذبه‌ی مطلق است که تمام نیروهای مدنیت را (چه از دوره‌ی پارینه‌سنگی و چه نوسنگی و چه هر دوره‌ی دیگری) به مرکز شهر می‌کشاند و تحت مراقبت کاخ و پرستش‌گاه درمی‌آورد. از نظر مامفورد اولین پادشاهان یا حاکمان بشری چوپان‌ها بودند، چون از مهم‌ترین عنصر اقتصادی مردم نگه‌داری و حفاظت می‌کردند.

به نظر مامفورد اصطلاح انقلاب شهری مطروحه از سوی چایلد در ارتباط با فرایند تکامل تاریخ بشر واژه‌ی درستی نیست. زیرا واژه‌ی انقلاب، در خود مفهوم «زیر و رو شدن» را دارد، درحالی که بسیاری از ساختارها و نهادهای شهری مانند خانه، پرستش‌گاه، راه و ... پیش از پیدایش شهر نیز در دهکده‌های کشاورزی یا زمین‌های کوچ‌نشین حضور داشتند. وی به جای واژه‌ی «انقلاب» (Revolution) واژه‌ی «سیر تکامل» (Evolution) را پیشنهاد می‌کند، یعنی تحول و تکامل

مامفورد می‌گوید انفجار درونی باعث می‌شود، عناصری که پیش‌تر شکل گرفته بودند، در یک مکان خاص و حول یک نیروی جاذبه (پادشاه) کنار هم جمع آیند. بدین صورت که کارایی و نفوذ آن‌ها افزایش یابد. از دیدگاه او، حصار شهر بیش از آن که دارای کارکردهای نظامی بوده باشد، دارای کارکرد نمادین بوده است. (احساس در درون بودن) کتاب‌های مهم مامفورد ← شهر در تاریخ - فرهنگ شهرها - شهر و بزرگ‌راه

۱-۵ ماکس وبر (دسته دوم)

او در کتاب خود با عنوان «شهر در گذر زمان» روی اصطلاح «شهر واقعی»^۲ تأکید می‌کند، و می‌گوید شهر واقعی یک Community است. او می‌گوید ممکن است به دلایل اقتصادی، نظامی، اداری و ... جایی بنام شهر شکل بگیرد، اما آن‌جا لزوماً یک Community نیست.

در نظر او یک Community باید دارای خصوصیات زیر باشد :

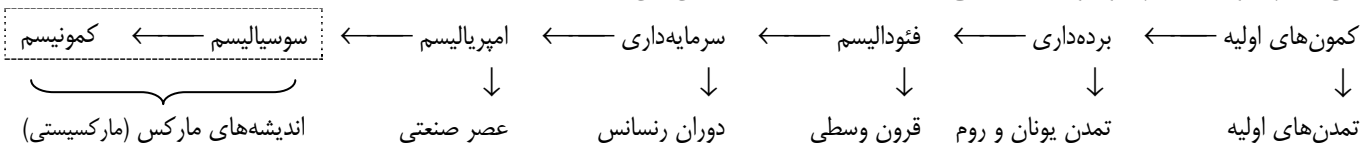
۱. وجود استحکامات (مانند حصار)
۲. وجود بازار
۳. وجود دادگاه قضایی با استقلال نسبی
۴. اشکال مختلف انجمن‌های صنفی با تکیه بر انتخاب آزاد افراد
۵. استقلال نسبی و حقوقی سیاسی شهروندان و اتکا به منشورهای شهری (مهم‌ترین عامل)

او می‌گوید :

” به طور اساسی شهر بین‌النهرینی، مصری، ایرانی (و کلاً شهر شرقی) در طول تاریخ نداشته‌ایم، چون از میان معیارهای ۵ گانه فقط شامل ۲ مورد اول بوده‌اند.“
 به عقیده‌ی او Community زمانی پدید می‌آید که ساخت اداری - سیاسی در محدوده‌های سرزمینی به طرف نهادینه شدن عقلانیت پیش برود و به موازات این امر، قانون به جای عرف و سنت غیرعقلانی قرار گیرد.
 * نمونه‌ی موردی و بر برای این Community شهرهای اواخر قرون وسطی هستند.

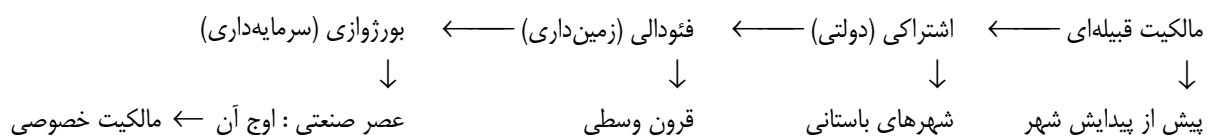
۱-۶ کارل مارکس (دسته اول)

شهر به طور مشخص در کانون اندیشه‌ی مارکس جایی نداشته، بلکه او در پرتو مفاهیمی چون متریاالیسم تاریخی، انواع گوناگون مالکیت، شیوه‌ی تولید و تقسیم کار و ... به شهر می‌نگرد. بر این مبنا برای مارکس، شهر مکان شکل‌گیری طبقات است و به طور مشخص کارگر و سرمایه‌دار. همین شهر است که نیروی انقلابی مورد نظر وی را ایجاد می‌کند (نیروی کارگر). او دوره‌های تاریخ بشر را به شکل زیر معرفی می‌کند :



تقابل شهر و روستا در اندیشه‌های مارکس ...

شهر محل تمرکز جمعیت، تقسیم کار، وسایل تولید و سرمایه، لذات و نیازها و به طور کلی تکوین دو طبقه‌ی کارگر و سرمایه‌دار است، درحالی‌که روستا در مقابل، مفهوم جدایی و انزوا را نشان می‌دهد. بدون وسیله‌ی تولید، بدون تقسیم کار و بدون طبقه. از نظر مارکس ۴ نوع مالکیت در طول تاریخ قابل مشاهده است :

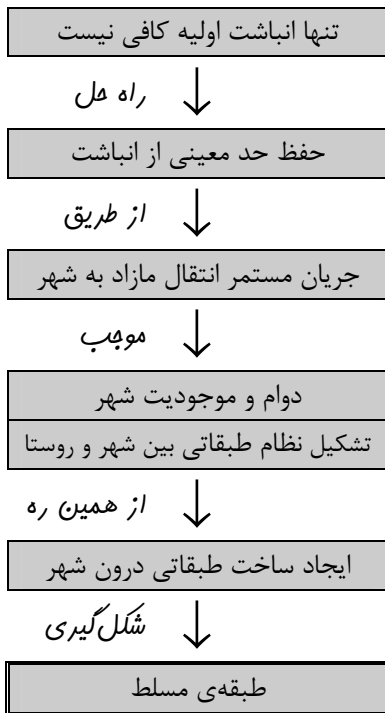


مالکیت در جامعه‌ی کمونیستی ⇐ عدم مالکیت (همه چیز برای عموم است)

۱-۷ پل سینجر (دسته اول)

در پیدایش شهرها، علاوه بر شکل‌گیری مازاد محصولات کشاورزی، استمرار جریان انتقال محصولات مازاد نیز لازم است. سینجر شرط چایلد را مبنی بر لزوم وجود بازاری روستایی به عنوان پیش شرط پیدایش شهرها می‌پذیرد. به عقیده‌ی او وجود مازاد محصولات کشاورزی شرط لازم است، اما کافی نیست.

📌 **پکیده:**



سینجر موجودیت شهر و یا دوام شهر را مستلزم برقراری جریان دائم انتقال مازاد از روستا به شهر می‌داند. یعنی از نظر او انباشت اولیه کافی نیست، بلکه همواره حد معینی از انباشت برای دوام شهر لازم است.

بر اساس این انگاره، شهر و روستا دو نظام طبقاتی متفاوت هستند، با عطف به این که روستا از نظر سینجر کانون زیستی خودکفا است، ولی شهر به روستا وابسته است. روستا مکان فعالیت‌های اولیه است و قادر است بدون وجود شهر نیز به حیات خود ادامه دهد، اما شهر تنها زمانی موجودیت و دوام پیدا می‌کند که نیروهای تولیدی در روستا به حدی از توسعه دست یابند که تولید محصولاتشان به صورت دائمی و مستمر بیش از مقدار لازم برای معیشت مردم روستا باشد.

نظام طبقاتی شهر و روستا ...

در ارتباط با نظام طبقاتی، سینجر اعتقاد دارد که استمرار انتقال مازاد از روستا به شهر، علاوه بر بقاء و دوام شهر، سبب ایجاد ساخت طبقاتی جامعه نیز می‌شود. یعنی شکل‌گیری طبقه‌ای مسلط در درون جامعه. این طبقه (طبقه‌ی مسلط)، طبقه‌ای است مجزا و متمایز که بدون شرکت مستقیم در تولید، مازاد محصولی را که به وسیله‌ی بخش دیگر جامعه تولید می‌شود، تصاحب می‌کند.

شهرهای تجاری از نظر پل سینجر ...

منشأ بسیاری از شهرها از نظر سینجر به چگونگی تحول تجارت بستگی دارد. شهر تجارت را ابداع نمی‌کند، بلکه خصوصیات تجارت را تغییر می‌دهد و داد و ستد نامنظم مازاد کشاورزی را به مبادله‌ی منظم با کالاهای ساخته شده در درون شهر تبدیل می‌کند.

۱-۸ دیوید هاروی (دسته اول)

او اساساً یک جغرافی‌دان است و دیدگاه‌های مارکسیستی را با رشته‌ی جغرافیا تلفیق می‌کند. بنابراین شاخه‌ی کار او **جغرافیای مارکسیستی** است، و از این طریق به تشریح مفاهیمی چون شیوه‌ی تولید، مازاد و انباشت اولیه به همراه مفاهیم دیگری چون انتگراسیون (تجمع) اقتصادی می‌پردازد. از آثار او می‌توان به کتب «عدالت اجتماعی و شهر» و «نئولیبرالیسم» اشاره کرد.

او معتقد است که هر شیوه‌ی اقتصادی، سازمان اجتماعی خاص خود را دارد و به طور کلی ۳ شیوه‌ی اقتصادی را معرفی می‌کند که هر یک منجر به تشکیل نوعی سازمان اجتماعی می‌شود:

۱. جامعه‌ی تساوی‌گرا یا جوامع بدوی: در این جوامع مبادله به صورت کالا به کالا است. در این جوامع گروه‌بندی‌های متقارن اجازه‌ی تمرکز تولید اجتماعی را که شرط لازم شهرنشینی است نمی‌دهند. در نتیجه با مفهوم شهرنشینی روبه‌رو نیستیم. (اقتصاد خانگی)

۲. جامعه‌ی مرتبه‌ای یا طبقاتی: ورود کلیه کالاها به یک مرکز (بازار) و خروج از همان مرکز. در چنین شرایطی ممکن است شهرنشینی شکل گیرد، اما لزوماً نه

۳. جامعه‌ی قشربندی شده: کاملاً بر اساس مبادله‌ی بازار (بازار تعیین‌کننده‌ی قیمت‌های نهایی است) که در این شرایط لزوماً شهر شکل می‌گیرد.

۱-۹ ابن خلدون (دسته اول)

* مهم‌ترین ویژگی بادیه :
عصبیت

او متفکر قرن ۴ و ۵ هجری قمری است که شهرنشینی را در مقابل بادیه و بادیه‌نشینی قرار می‌دهد. این تقابل بر مبنای معیاری صورت می‌گیرد به نام «عامل عصبیت»؛ یعنی بادیه دارای عصبیت و تعلق اجتماعی - قومی است که شهر فاقد آن است. عصبیت یعنی پیوند خویشاوندی، هم‌سوگندی، اصل و نسب فامیلی و به بیانی پیوندی است مبتنی بر نوع و محل معیشت. عصبیت همان عاملی است که باعث پیدایش و تداوم جامعه‌ی غیرشهری (بادیه) می‌شود.

* **ابن خلدون بادیه و بادیه‌نشینی را بر شهر و شهرنشینی مقدم می‌داند.**

گذر از «بادیه» به «شهر» ...

از نظر ابن خلدون لزوم ایجاد شهرهای بزرگ و کوچک وابسته به تکوین یا پیدایش مفهوم دولت است. یعنی دولت بر شهر مقدم است. به همین دلیل زوال دولت نیز مقدم بر زوال شهر است.

وقتی کشمکش برای بنیان‌گذاری دولت به پایان می‌رسد، افراد تصمیم می‌گیرند تا از ثمرات کوشش‌های خود بهره‌مند شوند. آن‌ها نمی‌توانند به این مقصود برسند، مگر از طریق زندگی در مکانی که دفاع از آن آسان، و تهیه‌ی تجملات زندگی میسر باشد و شهر تنها جایی است که این امر در آن ممکن است.

پس از احداث شهر، نوبت به بنای ساختمان‌های عظیم و عمارت‌های باشکوه می‌رسد تا دولت‌ها جلوه‌نمایی کنند. (نمودی از تجمل‌خواهی)

تجمل‌خواهی و زندگی در ناز و نعمت، منشأ شهرنشینی دارد که در بادیه‌نشینی وجود ندارد. ابن خلدون سرنوشت این شهرنشینی را تباهی می‌داند. (اضمحلال و افول)

* مهم‌ترین ویژگی شهرنشینی :
تجمل‌خواهی

فرایند اضمحلال شهرنشینی ...

اقتصاد بدوی



تأمین نیازهای ضروری ← بادیه‌نشینی



ساکن شدن بادیه‌نشینان در شهر



اقتصاد متکی بر مازاد (یعنی کالاهایی علاوه بر کالاهای ضروری تولید می‌شود)



تکوین گرایش به سوی تجمل‌خواهی



گران شدن کالاها و مواد در مقابل فشار بیشتر دولت برای اخذ مالیات



تزلزل اخلاقی در شهرها

به اعتقاد ابن خلدون سرنوشت شهرنشینی به دلیل تراکم بیش از حد جمعیت، مصرف‌گرایی، برقراری نظام مالیاتی، نفوذ تجمل در زندگی، استبداد، ضعف عصبیت قومی و در نهایت از میان رفتن تعاون و همبستگی روحی و اجتماعی محکوم به نابودی است.

* نظریه‌ی برخورد یا جنگ و ستیز و یا غارت و دفاع ابن‌خلدون، همان درگیری دولت‌ها قبل از پیدایش شهر است.

* به اعتقاد وی، پیدایش برخی از شهرها، خاستگاه معنوی (مذهبی) دارد، مانند مکه

نتیجه‌گیری کلی :

شهرها و به طور کلی تمدن‌ها، زمانی به وجود می‌آیند، رشد می‌کنند، بالغ می‌شوند، شکوفا می‌شوند، فرتوت می‌شوند و در نهایت از بین می‌روند. این یعنی . . .

مسیر یا چرخه‌ی تحول یا تطور تمدن‌ها

امروزه نمونه‌هایی مثل چین و ایران ناقض نظریه‌ی ابن‌خلدون هستند، ولی روم با این نظریه مطابقت دارد.

فصل دوم:

تمدن‌های نخستین

۱-۲ تمدن بین‌النهرین (۳۵۰۰ سال قبل از میلاد)

منطقه‌ی بین‌النهرین از لحاظ موقعیت جغرافیایی در جنوب غربی ایران (عراق کنونی) قرار دارد، و با دو رود دجله در شرق و فرات در غرب تعریف می‌شود؛ به همین دلیل به تمدن بین‌النهرین (میان رودان)، تمدن رودخانه‌ای می‌گویند. این دو رود به نوعی به کار کشاورزی نیز کمک می‌کنند.

برخی معتقدند که بین‌النهرین نقطه‌ی شروع تمدن‌های بشری است، و برخی دیگر نظیر پروفسور جیمز برستد بر این باورند که بین‌النهرین تنها مکان تمدن اولیه نیست، بلکه منطقه‌ی «هلال حاصل‌خیز» که از بین‌النهرین تا مصر (شمال آفریقا) را شامل می‌شود، گهواره‌ی تمدن‌های اولیه است.

۱-۱-۲ ویژگی‌های اصلی سرزمین بین‌النهرین

اصلی‌ترین ویژگی «خشونت طبیعت» می‌باشد که در قالب سیلاب‌های فاجعه‌آفرین، توفان و ... در تاریخ این تمدن ثبت شده است. بشر برای این که بتواند در این‌جا زندگی کرده و تمدن ایجاد کند، باید بر این سختی‌ها غلبه می‌کرده است. قوم «سومر» از جمله اقوامی بود که توانست این کار را انجام دهد و بر طبیعت چیره شود.

ویژگی دوم امرار معاش در این سرزمین می‌باشد که بر پایه‌ی کشاورزی است و دلیل آن آبشخور وسیع دجله و فرات و انشعابات زیاد آن‌ها است.

ویژگی دیگر این که، سرزمین بین‌النهرین با مقوله‌ی «غارت و دفاع» روبه‌رو بوده است، چرا که اطراف آن خالی است. در نتیجه مهم‌ترین عنصر کالبدی شهرها، یعنی «حصار» شکل می‌گیرد که به صورت کاملاً ارگانیک می‌باشد. (یعنی طبیعی و منطبق بر پستی و بلندی زمین)

ویژگی چهارم عامل مذهب است و در این تمدن از لحاظ مذهبی با مفهومی بنام «خدا - پادشاه» روبه‌رو هستیم، (خدا - پادشاه‌های متعدد) یعنی پادشاهی که سایه‌ی خداوند بر روی زمین است. دلیل تعدد خدا - پادشاه‌ها، شرایط جغرافیایی و اقلیمی بین‌النهرین است. تعدد خدا - پادشاه‌ها باعث می‌شود که مفهوم «دولت - شهر» شکل گیرد. یعنی شهری خود فرمان و خود مختار. شهری که فقط تابع خدا - پادشاه خویش است. به دلیل وجود دولت‌شهرهای متعدد، این دولت‌شهرها معمولاً «جنگ» را تجربه می‌کنند. (دولت‌شهرهای در ستیز)

در دولت‌شهرها مفهومی بنام مالکیت خصوصی وجود ندارد و همه چیز از آن خدا - پادشاه است. یعنی با مفهوم وحدت کار اجتماعی روبه‌رو هستیم و نه تقسیم کار اجتماعی. (در وحدت کار اجتماعی حقوق وجود ندارد)

* علاوه بر بین‌النهرین، به طور کلی در مشرق زمین شاهد وحدت کار اجتماعی هستیم.

۲-۱-۲ بافت کالبدی دولت‌شهرها

به سه دلیل موقعیت مکانی اکثر دولت‌شهرها بر روی تل (tell) یا تپه‌ی مصنوعی

بوده است:

۱. **اقلیم** : چون جنس خانه‌ها از خشت خام بوده و این خانه‌ها عمری در حدود ۶۰ سال داشتند، و روی همان محل قدیمی بنا می‌ساختند. (درجا سازی)

۲. **جهان بینی** : معتقد بودند که هرچه شهر بالاتر باشد و ارتفاع بیشتری داشته باشد، عروج به آسمان راحت‌تر صورت می‌گیرد.

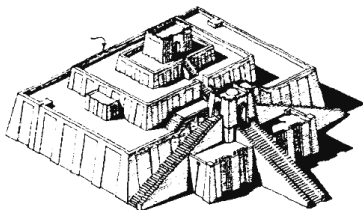
۳. **عوامل دفاعی** : هم از طرف خود دولت‌شهرها و هم از طرف دیگر اقوام به آن‌ها حمله می‌شده و با پدیده‌ی غارت و دفاع روبه‌رو بودند.

ویژگی‌های کلی کالبدی و عناصر شکل‌دهنده به دولت‌شهرها :

۱. بافت ارگانیک
۲. شبکه‌ی خیابان‌های تنگ و باریک
۳. ساختمان با حیاط مرکزی
۴. حضور هرم شیب‌دار زیگورات



نمونه‌ای بازسازی شده از یک زیگورات



زیگورات شهر اور

توضیحی مختصر در خصوص «زیگورات»

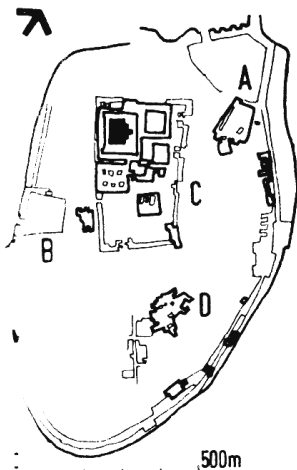
در دولت‌شهرهای بین‌النهرین، منطقه‌ای مذهبی تحت عنوان «تمنوس» (Temenos) وجود داشت. در درون این محدوده ساختمان‌هایی هرمی شکل و چند طبقه بنام «زیگورات» ساخته می‌شدند. (جهت بالا رفتن و عروج)

* زیگورات به معنای گلدسته‌های بالا رونده
* تذکر مهم : زیگورات معبد نیست، بلکه پایه‌ای است که معبد بر روی آن قرار می‌گرفته است.

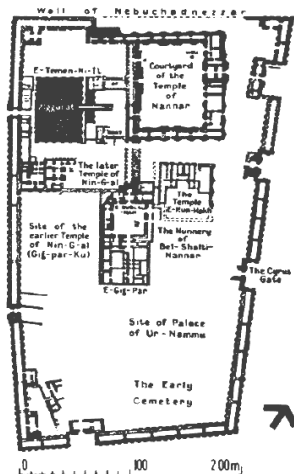


تفاوت شرق و غرب، به گفته‌ی ویل دورانت :

“ در شرق شهرها آسمانی، ولی در غرب کاملاً زمینی هستند. ”



نقشه‌ی عمومی شهر اور



نقشه‌ی تمنوس در شهر اور

۲-۱-۳ معرفی چند شهر بین‌النهرین

- **آگد:** اولین پایتخت سومریان و از اولین دولت‌شهرها که توسط فردی به نام سارگون (Sargon) ساخته شده است.
- **اور:** دومین پایتخت سومریان و بارزترین نمونه‌ی یک شهر سومری است. این شهر دارای ۳ بخش اصلی بوده است.
 ۱. شهر باستانی با دیوارهای اطراف، ۲. تمنوس یا منطقه‌ی مذهبی و ۳. شهر بیرونی که تمنوس را در بر می‌گرفته است.
- گیل گامش ← از پهلوانان معروف بین‌النهرین که حصار شهر اور را ساخته
- **اوروک:** بزرگترین شهر تمدن بین‌النهرین. معابد معروف آن در مرکز این شهر بوده و زیگورات بسیار زیبای «اور - نمو» (مؤسس سلسله‌ی سوم) در این شهر بوده است.
- **نینوا:** پایتخت آشوریان که بسیار ستیزه‌جو بودند.
- **بابل:** شهری محصور در میان دو دیوار که بافت اصلی آن در عهد بخت‌النصر شکل گرفته
- **اریل:** واقع در عراق امروزی که هنوز هم وجود دارد و مسکون می‌باشد.
- **کیش**
- **بیت‌المقدس یا اورشلیم:** این شهر محصور معروفی دارد به نام «حصار سلیمان»

توضیحی مختصر در خصوص «قانون حمورابی»

یکی از پادشاهان مهم این تمدن، حمورابی است که قوانین مدونی را در قالب سلسله وظایف تدوین کرده بود. قوانین این لوح بسیار سخت‌گیرانه بود که البته تعدادی از این قوانین هنوز به قوت خود باقی هستند.



لوح حمورابی در ایران و در شهر شوش کشف شد و هم‌اکنون در موزه‌ی لوور پاریس (Louvre) نگهداری می‌شود.

۲-۱-۴ پایان تمدن بین‌النهرین

در بین‌النهرین طغیان‌های دجله و فرات نامنظم بودند، یعنی هر لحظه امکان از بین رفتن زمین‌های کشاورزی وجود داشته است. لیکن در نهایت تمدن بین‌النهرین به خاطر حمله‌ی دو سویه‌ی ایرانیان و یونانیان رو به افول نهاده و از بین می‌رود.

۲-۲ تمدن مصر (۳۵۰۰ سال قبل از میلاد)

این تمدن مقارن با تمدن بین‌النهرین بوده و نشان‌گر سلسله تضادهایی کامل با تمدن بین‌النهرین است.

۱-۲-۲ ویژگی‌های اصلی سرزمین مصر

مصریان از نظر جغرافیایی با مشکلی جدی مواجه نبودند، سرزمین مصر پستی و بلندی نداشته، آسمان بی ابر، بدون باد مزاحم و دارای هوای معتدل.

به دلیل وجود رود نیل این تمدن نیز تمدنی رودخانه‌ای است و اقتصاد آن بر پایه‌ی کشاورزی (مانند تمدن بین‌النهرین) ولی برخلاف دجله و فرات، طغیان‌های رود نیل منظم است و مصریان با استفاده از آن تقویم را اختراع کردند، هم‌چنین این رود آبشخور بسیار کوچک و باریکی داشته است.

دور تا دور سرزمین مصر را حصار طبیعی فراگرفته بود. صحرای سینا، دریای سرخ و دریای مدیترانه. به عبارتی مصر سرزمینی ایزوله است و در نتیجه با مقوله‌ی غارت و دفاع مواجه نیست. پس شهرها هم حصار ندارند. (به همین دلیل از نظر ماکس وبر در مصر شهر نداریم!)

در این شرایط خدا واحد است و همان فرعون زمان است. بالطبع در چنین شرایطی دولت‌شهر هم شکل نمی‌گیرد؛ ولی با این وجود با دو مفهوم عدم مالکیت خصوصی و وحدت کار اجتماعی مواجه هستیم، چرا که در این‌جا همه چیز از آن فرعون است.

انسان برای یافتن بقایای مرئی شهر (کالبد) در مصر، در مقایسه با آن‌چه در سومر ۲۵۰۰ سال پیش موجود است، بیهوده جست‌وجو می‌کند. گرچه اهرام مصر به گونه‌ای تزلزل‌ناپذیر حفظ شده‌اند اما از شهر خبری نیست. به طور کلی می‌توان گفت که در تمدن مصر هم‌زمان با حیات پادشاهی هر فرعون، جمعیت کثیری برای ساختن اهرام مربوطه در نقطه‌ای مشخص گرد هم می‌آمدند و در مدت زمانی حدود ۵۰ تا ۶۰ سال به ساخت هرم پرداخته و در آن مکان سکنی می‌گزیدند.

مکان سکونت این افراد از نظر . . .

ماکس وبر ← شهر نیست

لوئیس مامفورد ← شهر است

جیمز موریس ← شهر نیست بلکه گونه‌ای از کمون‌های کارگری است

گوردون چایلد ← حاکم نشین یا پادشاه نشین است

اما همه‌ی این افراد اتفاق نظر دارند که در تمدن مصر، از آن‌جا که امنیت داخلی (به دلیل ایزوله بودن منطقه) حکم‌فرما است، سکونت در یک مکان خاص لزومی نداشته، لذا با مفهوم شهرهای ناپایدار و گذرا مواجه هستیم (عدم تشکیل تل)

از حیث مفهوم و محتوا :

بین‌النهرین ← شهر - معبد

مصر ← شهر - مقبره

عنصر کالبدی با هویت معنوی

در بین‌النهرین «معبد» است، ولی در مصر «مقبره‌ی فراغنه» این نقش را ایفا می‌کند.

یکی از انگاره‌های مهم در مورد تمدن مصر، «شهر مردگان» است. (به علت اهمیت

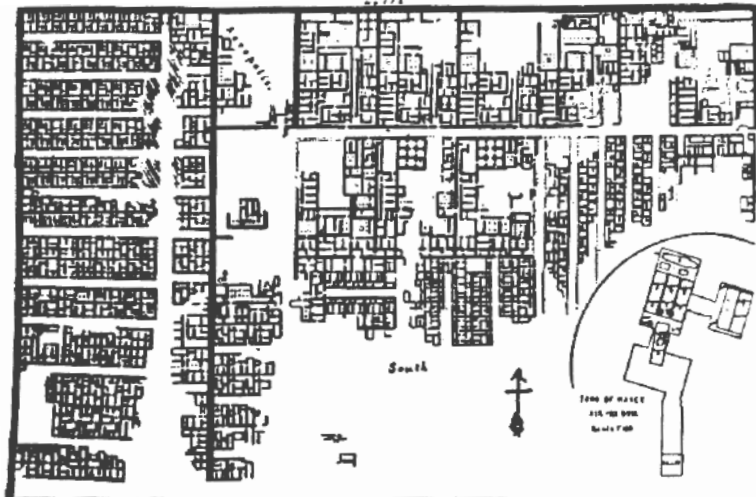
بیشتر آن‌ها نسبت به زندگان)

۲-۲-۲ ویژگی‌های کالبدی شهرهای مصر

عمدتاً به دلیل شکل‌گیری شهرها در حاشیه‌ی رود نیل، ساخت شهرهای مصری خطی بوده است، اما بافت آن‌ها شطرنجی است. علت استفاده از الگوی شطرنجی بالا بردن سرعت کار بوده است، به همین دلیل موریس معتقد است که مصریان مبدع شبکه‌ی شطرنجی نیستند، چون برای این کار دلایل شهرسازی نداشتند.

۳-۲-۲ چند شهر مهم تمدن مصر

- **تیس**
- **ممفیس**
- **تل‌العماره یا العمارنه**: ساخته شده توسط آخناتون (نسبت به دیگر فراغنه دموکرات‌تر بوده است)
- **کاهون**: که دهکده‌های نتولتیک فایوم و مرید در آن کشف شده است.



نقشه‌ی کاهون (کمپ کارگران مربوط به ۲۶۷۰ ق.م.)

۴-۲-۲ پایان تمدن مصر

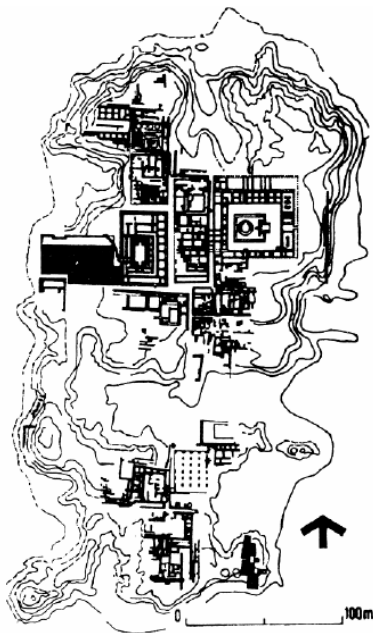
مصریان هم به دلیل حمله‌ی ایرانیان و یونانیان از بین می‌روند.

* اوج تمدن مصر، هم‌زمان با پادشاهی کوروش و کمبوجیه در ایران

۲-۳ تمدن هند (۲۵۰۰ سال قبل از میلاد)

به دلیل وجود دو رود سند و گنگ، تمدن هند نیز یک تمدن رودخانه‌ای است و کشاورزی در آن نقش مؤثری ایفا می‌کند.

تمدن هند، تمدنی اسطوره‌ای است و این مفهوم خود را در قالب «ماندالا» نشان می‌دهد. ماندالا تصویری از قوانین حاکم بر جهان است که اتفاقاً بر شهرها و شهرسازی تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل شهرها ابعاد مستطیلی با بافت شطرنجی پیدا می‌کنند. (از نظم ماندالایی طبیعت می‌کنند.) به همین دلیل شهرهای هند مثل هاراپا، موهنجودارو، کالیانگان و لوتال کاملاً حالت (فرم) مربع مستطیلی داشته و دارای شبکه‌ی شطرنجی هستند. لذا پیشینه‌ی شبکه‌ی شطرنجی به تمدن هند می‌رسد و توسط کاهنی ناشناخته ابداع شده است.



نقشه‌ی موهنجودارو

موهنجودارو واقع در پاکستان امروزی در این شهر یک مرکز تجاری مهم وجود داشته، الگوی شبکه‌ی شطرنجی منظم و دارای خیابان‌های شمالی - جنوبی با عرض ۱۲ متر و خانه‌های چند طبقه با مصالح آجر پخته و چوب، هم‌چنین دارای شبکه‌ی فاضلاب

۲-۳-۱ ویژگی‌های کالبدی شهرهای هند

۱. شبکه‌ی منظم شطرنجی
۲. سیستم پیشرفته‌ی دفع فاضلاب ← مهم‌ترین ویژگی (به دلیل اعتقاد هندی‌ها به تطهیر و پاکی)
۳. انبارهای عظیم عمومی
۴. سیستم استاندارد اندازه‌گیری

* شکل شهرهای هاراپا و موهنجودارو بسیار مهم است.

* به دلیل اهمیت هاراپا، به تمدن هند، «تمدن هاراپا» نیز گفته می‌شود.

۲-۳-۲ ویژگی‌های اجتماعی تمدن هند

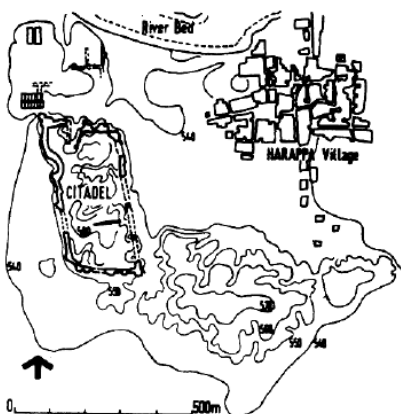
به طور کلی هیچ نشانی از حاکمیت قدرت نظامی در هند به چشم نمی‌خورد. سلاح نایاب و تدابیر دفاعی تنها محدود به قلعه‌ها بوده است، که همه‌ی این‌ها انعکاسی است از عدم ارتباط این مردم با همسایگانشان.

* شهر سوخته (واقع در سیستان امروزی) مکان ارتباط ایرانیان و هندی‌ها بوده، که یکی از شهرهای مهم بازرگانی بشمار می‌رفته است.

در موهنجودارو نه مقر فرماندهی حاکمی مستبد وجود دارد و نه نماد مذهبی غالبی مانند زیگورات، بلکه تنها دارای تعدادی ساختمان اداری - مذهبی بوده است.

نظام کاستی : یعنی نظامی که امکان انتقال از یک طبقه به طبقه‌ی دیگر وجود ندارد، و در تاریخ هند هیچ شورش‌ی علیه نظام کاستی دیده نمی‌شود. (ناشی از اعتقاد به تقدیر و نقش مذهب در شکل‌گیری این عقاید)

🌀 در تمدن هند همه چیز مذهبی است. از آیین‌ها گرفته تا شهرسازی و ...



نقشه‌ی عمومی هاراپا

این تمدن نیز با یورش ایرانیان در سال‌های ۱۵۰۰ ق.م. از بین می‌رود.^۱

^۱ بنا بر نظر مورس اضمحلال تمدن هاراپا به سال ۱۷۵۰ ق.م. مربوط می‌شود. (تاریخ شکل شهر - ص. ۲۶)

۲-۴ تمدن چین (۲۵۰۰ سال قبل از میلاد)

مهم‌ترین نکته در خصوص این تمدن، تداوم تاریخی آن است. تمدن چین تمدنی زنده است که داده‌های تمدنی خود را تا کنون حفظ کرده است. با وجود گویش‌های شفاهی بسیار زیاد موجود در چین، آن‌ها زبان مکتوب واحدی دارند. این تمدن نیز مانند تمدن‌های قبلی، به دلیل وجود رودخانه‌ی شانگ (زرد) تمدنی رودخانه‌ای است. به طور کلی هسته یا نطفه‌ی اولیه‌ی این تمدن مربوط به سلسله‌ی «شانگ» است. (شهر «آن یانگ»: پایتخت سلسله‌ی شانگ)

۲-۴-۱ ویژگی‌های مهم جامعه‌ی شانگ (چین نخستین)

دارای نظام طبقاتی انعطاف‌ناپذیر. در قیاس با تمدن هند می‌توان گفت که در هند این نظام طبقاتی بدون وجود قدرت نظامی و تنها در سایه‌ی اعتقادات مذهبی شکل گرفته است، ولی در چین قدرت نظامی، این ساختار طبقاتی را بر جامعه تحمیل می‌کرده است. در چین فردی به نام «فخفور» در رأس حکومت قرار می‌گیرد که دارای همه‌ی صفات کماله است. این حاکم همراه با نزدیکانش در شهری بنام شهر ممنوعه مستقر بودند و مردم عادی را به داخل آن راه نمی‌دادند. (به همین دلیل به عقیده‌ی ماکس وبر شهر چینی وجود ندارد!)

تعداد مراکز شهری شانگ، کم و پراکنده بوده و معمولاً بین آن‌ها جنگ در می‌گرفته است. از این رو با مقوله‌ی غارت و دفاع روبه‌رو بودند و در نتیجه حصار دور شهرها شکل می‌گیرد.

بعد از سلسله‌ی شانگ سلسله‌ی «چو» روی کار می‌آید. در این سلسله شاهد دو فیلسوف بزرگ تاریخ چین هستیم. کنفوسیوس و لائوتزه (لائوتسه) که آینده‌های کاملاً متفاوتی دارند.

لائوتسه گونه‌ای تأمل درونی، بی‌حرکتی، انزوا، دوری از اجتماع و تفکری عرفانی را ترویج و حمایت می‌کرد. و کنفوسیوس دقیقاً مخالف او، و معتقد بود که باید کنش و عمل عاقلانه در جامعه وجود داشته باشد و مردم باید بر کار حکومت نظارت کنند و حکومت بر اساس الگو باشد.

بعد از سلسله‌ی چو، سلسله‌ی «هان» روی کار می‌آید. در این دوره پایتخت مهمی ساخته می‌شود که دارای شبکه‌ی شطرنجی است، یعنی شهر «چانگ آن» که نطفه‌ی اولیه‌ی آن هسینگ بوده که بعدها در طول زمان بسیار ثروتمند و با شکوه می‌شود. * دیوار چین نیز مربوط به این دوره می‌باشد. (با طولی بیش از ۱۵۰۰ مایل و ارتفاعی بین ۲۱ الی ۳۰ فوت)

* نکته: پیشرفته‌ترین نمونه‌های مدل کیهانی درباره‌ی شکل شهر ← چین و هند

۲-۵ تمدن ژاپن (۱۰۰۰ سال قبل از میلاد)

این تمدن عمدتاً میراث‌دار تمدن چین است و داده‌های تمدن را از آن می‌گیرد. سال‌ها بعد از این که در تمدن چین شهر و پایتخت شکل گرفته بود، در ژاپن شهرها شکل گرفتند.

چرا این فاصله‌ی زمانی وجود دارد؟



به دلیل مقیاس کوچک، عوارض زمین و شیوه‌ی معیشت بر پایه‌ی کشت برنج در مرداب‌ها، مجتمع‌های زیستی بزرگ که بر اساس تولید جمعی به وجود می‌آیند لازم نبوده و کمتر سکونتگاهی، بیش از یک خانوار را در خود جای می‌داده است. البته این فاصله‌ی زمانی متأثر از عاملی خارجی هم بوده و آن محصور بودن ژاپن در میان آب‌ها است.

این عدم تجربه‌ی زندگی شهری باعث شد که پایتخت به صورت سمبل یک قدرت سیاسی باقی مانده و کمتر به ایفای نقش عملکردی خود به عنوان یک اجتماع شهری بپردازد. (جنبه‌ی تزئینی داشته است!)

در این تمدن به دو دلیل با مقوله‌ی غارت و دفاع و به تبع آن ایجاد حصار و سیستم دفاعی مواجه نیستیم :

۱. دور افتاده بودن آن از شهرهای دیگر نقاط اطراف (ایزوله بودن)
۲. همگونی نژادی و ثبات سیاسی (مفهوم سامورایی که نشان‌دهنده‌ی همگونی است).

۲-۵-۱ شهر در ژاپن

«میاکو» واژه‌ی امروزی ژاپنی برای پایتخت، در ابتدا به معنای محل استقرار قصر سلطنتی بود. تا قرن هفتم میلادی این مکان به جای آن که مرکز اداری دولت به منظور اداره‌ی سیاسی، نظامی، اقتصادی و مذهبی زندگی یک ملت متحد باشد، مرکز سمبلیک اتحاد میان قبایل بود و مردم عادی هم‌چون تمدن مصر در کمون‌های خودکفای کشاورزی زندگی می‌کردند. این موضوع و عدم شکل‌گیری شهری پویا تا سال ۶۴۵ م. ادامه داشت. بدین ترتیب در سال ۶۴۵ م. نخستین پایتخت ژاپنی دارای عملکرد و کارکردی پویا و مشخص (برخلاف گذشته که تنها سمبلیک بود) بر اساس مدل شطرنجی شهر «چانگ آن» شکل گرفت. (مدل شطرنجی «چانگ آن» بارها مدلی برای شهرهای ژاپنی بوده است).

سیر کلی پایتخت‌های ژاپن :

میاکو ← نانیوا ← نارا ← فوجیوارا ← ... ← کیوتو ← ادو ← توکیو

مهم‌ترین مشخصه‌ی شبکه‌ی شطرنجی ژاپن استفاده از تقاطع‌های ناهم‌جوار است که سبب عدم امتداد خیابان‌ها می‌شد و اساساً به منظور تسهیلات دفاعی به وجود آمدند. (فرار و گریز در شهرها با مشکل روبه‌رو می‌شده است).

فصل سوم:

تمدن یونان

۱-۳ تمدن یونان

تاریخ تمدن یونان به ۴ دوره تقسیم می‌شود:

۱. عصر تاریکی (یونان هومری): قرن ۱۲ تا ۸ قبل از میلاد
۲. عهد باستان: قرن ۸ تا ۶ قبل از میلاد
۳. دوران کلاسیک: قرن ۶ تا ۳ قبل از میلاد
۴. عصر هلنیستی (پس از حمله اسکندر): قرن ۳ قبل از میلاد تا آغاز سلطه‌ی روم

۱-۱-۳ ویژگی‌های عمومی سرزمین یونان

شکاف ژرف کوه‌ها به همراه رودخانه‌های پرخروش و به طور کلی پستی و بلندی‌ها و عوارض جغرافیایی سبب جدایی‌گزینی اجتماعی و به تبع آن شکل‌گیری شهرهایی بود که به صورت خودفرمان اداره می‌شدند (دولت‌شهر). البته شکل‌گیری دولت‌شهرهای یونان از عهد باستان به بعد است. چراکه در یونان عصر تاریکی (هومری) مفهومی به نام شهر وجود ندارد و تنها شاهد روستاها هستیم. به همین دلیل دولت‌شهرها تحت یک مذهب شکل می‌گیرند.

یونانی‌ها عناصر تمدن و مدنیت را نخستین بار از ساکنان جزیره‌ی کوچکی در جنوب سرزمین یونان به نام «کرت» اخذ کردند. کاخ کنوسوس (Knossos) در این جزیره قرار داشت که توسط حکام مینوسی بنا شده بود.

۲-۳ ویژگی‌های کلی دولت‌شهرهای یونانی

شهرها در تمدن یونان در مقیاس انسانی و عاری از ادعاهای جنون‌آمیز شبه‌خدایی پادشاهان و کلیه‌ی زورگویی‌ها و مقررات خشک نظامی‌گری و دیوان‌سالاری شکل گرفتند.

در تمدن یونان به طور کلی با مفهوم تقسیم کار اجتماعی روبه‌رو هستیم و بنابراین مالکیت خصوصی معنا می‌گیرد. از همین ره در تمدن یونان با مفهومی بنام دموکراسی مواجه هستیم. (حکومت شورایی) شهرهای یونانی یا هلنیک^۱ عمدتاً اتحادی از روستاها و یا اتحادی از روستاها و شهرهای کوچک بودند.

شهر و روستا به نقل از امیل کوهن:

”شهر و روستا را نمی‌توان به عنوان دو شیوه‌ی متضاد زندگی دانست، زیرا این دو در یونان پیش از حمله‌ی اسکندر (هلنی) اتحادی گسترده میان یونانیان ایجاد کرده بودند.“

^۱ منظور شهرهای عهد باستان و دوران کلاسیک است.

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم شهرهای یونانی دایره‌ی گفتمان و سخنوری در شهر بود. در واقع شهرهای یونان حتی در پررونق‌ترین روزگار خویش اضافه محصول و بازار محصول کشاورزی نداشتند، آن‌چه داشتند «اضافه وقت» بود. (برای همین است که ایرانیان را به خاطر میل زیاد به جهان‌گشایی «بربر» خطاب می‌کردند.)

در یونان هیچ رودخانه‌ی بزرگی نبود که باعث کشاورزی شود، بلکه اقتصاد آن‌ها مبتنی بر بازرگانی بوده است (عمدتاً تجارت سنگ مرمر). یونانی‌ها دریانوردی را از فینقی‌ها آموخته بودند.

در راستای بهره‌بردن هرچه بیشتر از اضافه وقت، کارهای یدی خود را به برده‌ها واگذار می‌کردند. اگرچه برده در یونان مقوله‌ای مرسوم بوده ولی فرهنگ آن‌ها مبتنی بر برده‌داری نبوده است. به عبارت دیگر برده را یک ابزار نمی‌دیدند بلکه جزیی از خانواده محسوب می‌شد و حقوق هم می‌گرفت.

به افرادی که بدون دغدغه‌ی کار تولیدی در وقت‌های آزاد خود به بحث و گفتگو و سخنوری در شهرها می‌پرداختند «شهروند» اطلاق می‌شد. شهروندان افرادی بودند که می‌توانستند در حیات سیاسی شهر شرکت داشته باشند.

* پنج گروه زیر شهروند محسوب نمی‌شدند :

۱. برده‌ها

۲. تجار

۳. زنان

۴. کودکان

۵. خارجیان و بیگانگان

بعد از حذف این پنج گروه، $\frac{1}{7}$ مردم باقی می‌ماندند. کسانی که دارای دغدغه‌ی امور شهری بودند و خالص یونانی بودند (یونانی اصیل). یونانی‌ها در اصول دموکراسی خود بسیار سخت‌گیر و دیکتاتور بودند!

به طور کلی دولت‌شهرهای یونانی در عصر هلنی (پیش از حمله‌ی اسکندر) کوچک و نسبتاً خودکفا بودند. و به منظور کوچک نگه‌داشتن این شهرها، برای اسکان جمعیت اضافی، اقدام به احداث شهرهای جدید می‌کردند تا جمعیت آتن و سایر شهرهای قدیمی زیاد نشود. بنابراین مهم‌ترین دلیل ایجاد نوشهرها در تمدن یونان اسکان مازاد جمعیت است. دلیل دیگر ایجاد ارتباط تجاری است.

این مستعمره‌ها یا «کلنی»‌ها یا شهرهای جدید را عمدتاً در یونان آسیایی (آسیای صغیر) می‌ساختند، یعنی در سرزمین ایونیه

دموکراسی غیر مستقیم را قبول نداشتند، یعنی انتخاب نماینده و نظارت آن بر دولت. آن‌ها دموکراسی مستقیم را قبول داشتند و معتقد بودند حق هیچ کس قابل واگذاری به غیر نیست و همه‌ی شهروندان باید نظر دهند، به همین دلیل معتقد بودند که امکان افزایش جمعیت نیست. هم‌چنین از طرفی آسیای صغیر مهد تجارت بوده است. دلیل دیگر عدم احداث نوشهرها در همان یونان اروپایی عوارض جغرافیایی بود که اجازه‌ی این کار را نمی‌داد.

علی‌رغم آن‌که فرهنگ گفتمان و دموکراسی در درون هر دولت‌شهری وجود داشت، میان این دولت‌شهرها روابط چندان دوستانه‌ای نبود و جنگ و ستیز میان آن‌ها زیاد درمی‌گرفت. به عنوان مثال دولت‌شهر آتن و اسپارت در طول تاریخ یونان بارها با هم جنگیده‌اند، البته یونانی‌ها در طول تاریخ یک‌بار با هم متحد شدند و آن هم جنگ علیه ایران (در زمان خشایارشا) بود.

با وجود چنین جنگ و ستیزی، با این حال تمام شهرهای یونان دارای حصار نبودند، نظیر آتن یا اسپارت. به طور کلی می‌توان این‌گونه گفت که اکثر شهرهای یونانی سرزمین اصلی فاقد حصار بودند، در مقابل تمامی شهرهای هلنی مستقر در سرزمین ایونیه دارای حصار بودند. (به خاطر تجاری بودنشان) (از نظر ماکس وبر حتی شهروندی یونان نیز درست نیست و بی‌معنی است)

یونانیان توانستند بین دولت‌شهرها اتحاد و دوستی ایجاد کنند، و این عامل اتحاد بازی‌های «المپیک» بود. چون از تمامی شهرها برای مسابقه دور هم جمع می‌شدند و نتیجه‌ی آن اتحاد میان دولت‌ها و دوستی بیشتر میان آن‌ها بود. در راستای فراهم آوردن این ارتباط دوستانه، از میان دولت‌شهرهای یونانی نقش ۳ شهر بسیار کلیدی است.

۱ شهر المپیا: مرکز و مأوای بازی‌های المپیک. در این شهر نهاد تازه‌ای به نام «ژیمنازیوم» (مجتمع ورزشی) تأسیس می‌شود. این مکان به فرم نیم‌دایره یا نیم‌بیضی بوده است. (البته بعدها در تمدن روم به شکل دایره‌ی کامل درمی‌آید).

۲ شهر دلفی: پرستشگاه اصلی و خانه‌ی مقدس بوده است. در این شهر نهادی تازه به نام «تئاتر» شکل می‌گیرد. (در گذشته در آن نمایش‌های مذهبی اجرا می‌شده).

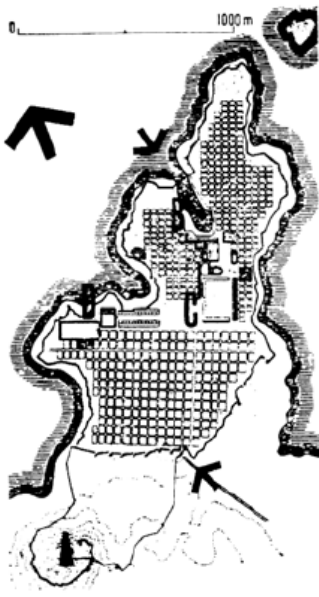
۳ شهر کوس: مرکز عظیم بهداشت، تندرستی و آسایشگاه بیماران. در این شهر نیز نهادی تازه یعنی آسایشگاه درمانی - بهداشتی شکل می‌گیرد. (هم شامل بیماری‌های جسمی بوده و هم بیماری‌های روحی)

رفتن به این سه شهر، به معنای جدایی از دنیای خودبسته‌ی دولت‌شهر و غلبه بر دلبستگی‌های خاص و تنگ‌نظری‌های بومی آن بود. در واقع این شهرها مکانی بودند برای اتحاد شهرها!

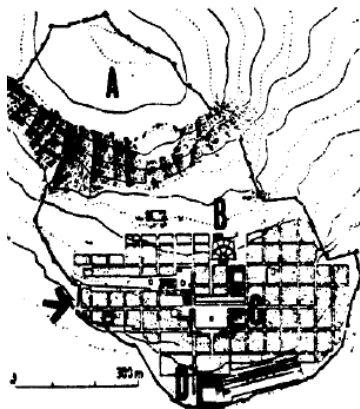
۳-۳ انواع دولت‌شهرهای یونانی

دولت‌شهرهای یونانی به طور کلی بر دو دسته بودند :

۱. شهرهای یونانی اروپایی هم‌چون آتن، دلفی، کوس، المپیا، اسپارت، کورنت و ...
۲. شهرهای آسیای صغیر و ایونیه (در ابتدا به عنوان کلنی یا مستعمره‌نشین شهرهای یونان اروپایی ساخته می‌شدند) مانند میلئوس، پرینه و کانیروس



نقشه‌ی کلی میلئوس



نقشه‌ی کلی پرینه

۳-۳-۱ ویژگی شهرهای دسته‌ی اول

رشد نامنظم و ارگانیک - رشد آهسته به تبعیت از محدودیت‌های جغرافیایی - عدم نظم پیوسته‌ی خیابان‌کشی - کوچه‌های تنگ - عدم کف‌سازی معابر - فاقد پارک‌ها و باغ‌های مشجر - وجود آلودگی و فقدان محض تسهیلات بهداشتی - عدم وجود شبکه‌های فاضلاب - عدم وجود آبریزگاه عمومی (دستشویی عمومی) - فاقد هرگونه کالبد با کیفیت ← شهرسازی عقب‌مانده، اما دارای محتوای عالی و غنی (در همین شهرها افلاطون، ارسطو، سقراط، فیثاغورث و ... پدید آمدند) (به گفته‌ی مامفورد، مظروف بر ظرف غلبه دارد). - فاقد حصار (البته بعد از حمله‌ی ایرانیان به آتن، آتن دارای حصار شد)

۳-۳-۲ ویژگی شهرهای دسته‌ی دوم

کم و بیش منظم‌تر و دقیق‌تر بودند - دارای بافت شطرنجی (بر اساس آموزه‌های هیپوداموس) ← او نظریه‌پرداز شهرهای آسیای صغیر است) - رشد سریع - جامعه‌ای اساساً طبقاتی (بر اساس آموزه‌های هیپوداموس) - دارای حصار (حمله‌ی ایرانیان در ساخت حصار تأثیر زیادی داشت) - عمدتاً عملکردی تجاری داشتند در این شهرها کالبد بهتر است و ظرف بر مظروف برتری دارد، به عبارتی از لحاظ کالبدی وضعیت مناسب‌تری دارند ولی از حیث محتوا در حد شهرهای یونان اروپایی نیستند.

* می‌توان از میلئوس و پرینه به عنوان دو نمونه‌ی بارز از شهرهای دسته‌ی دوم نام برد، که هر دو توسط هیپوداموس طراحی شده بود.

توضیحی مختصر در خصوص «اندیشه‌های هیپوداموس»

مبانی اصلی اندیشه‌ی او اعتقاد به نظم هندسی و ریاضی بوده است.

وی در شهرها به عنصر طبقاتی اعتقاد داشته. طبقات مدنظر او :

۱. تجار و صنعت‌گران
 ۲. کشاورزان
 ۳. نیروهای نظامی (جنگجویان)
- هیپوداموس سه گونه‌ی زمین را در شهرها تعریف می‌کرده است :
۱. زمین‌های متبرک و مقدس (معابد)
 ۲. زمین‌های عمومی (میدان)
 - و جاهایی که به عموم تعلق دارد) و ۳. زمین‌های خصوصی
- * او دو شهر میلئوس و پرینه را به صورت شطرنجی طراحی می‌کند.



* نکته : شهرهای یونانی (چه اروپایی و چه آسیایی) همواره از عوارض زمین تبعیت می‌کردند و قصد غلبه بر آن را نداشتند.

« عناصر اصلی شهر یونانی »

۱. آکروپولیس
۲. آگورا
۳. حصار
۴. محلات مسکونی
۵. محل تفریحی و فرهنگی
۶. منطقه‌ی مذهبی
۷. اسکله و بندر
۸. منطقه‌ی صنعتی

۳-۴ عناصر و اجزای اصلی شهرهای یونانی (هر دو دسته)

۱. **آکروپولیس:** منطقه‌ی مذهبی شهرهای یونانی که در ابتدا تپه‌ی دفاعی اولیه‌ی شهر بوده است. (در ابتدا تمام شهر را در خود جای می‌داده و به بیان دیگر، خود شهر بوده است) اما به تدریج به بخش مقدس و مذهبی شهر تقلیل یافته است.

مکان قرارگیری آکروپولیس:

در شهرهای یونان اروپایی ← در مرکز شهر
در شهرهای یونان آسیایی ← خارج از شهر

۲. **آگورا:** بیان کالبدی مفهوم اضافه وقت است. هم‌چنین بیان کالبدی مفاهیم شهروندی و دموکراسی است و جایگاه اجتماعات و محل ملاقات‌های عمومی بوده است. کارکرد اصلی ← قلب تپنده‌ی شهر و میدان عمومی شهر
کارکرد فرعی ← اقتصادی (به خاطر تجمع جمعیت در آن)

مکان قرارگیری آگورا:

در شهرهای قدیمی یونان مثل آتن ← بین دروازه‌ی شهر و آکروپولیس بر سر راه جاده‌ی «پاناتائیک»
در شهرهای جدید مثل میلتنوس ← در مرکز فیزیکی شهر
در شهرهای بندری ← کنار ساحل

سیر تحول و تکامل آگورا:

- ۱) دوره‌ی کلاسیک (قرن ۵ ق.م.) ← نطفه‌ی پیدایش آگورا
- ۲) دوره‌ی هلنیستی (قرن ۲ ق.م.) ← نقطه‌ی عطف در تاریخ آگورا
- ۳) دوره‌ی رومی (قرن ۲ میلادی)

* نکته: در داخل آگورا مکانی دایره‌ای شکل به نام «تولوس» وجود داشت که محل تشکیل جلسات بوده است.

۳. **حصار شهر:** به طور کلی حصار شهرهای یونانی از عوارض زمین تبعیت می‌کرده و از این حیث بسیار انعطاف‌پذیر بوده است. اکثر شهرهای ایونیه حصار داشتند ولی تنها برخی از شهرهای یونان اروپایی حصار داشتند. به عنوان مثال اسپارت هرگز دارای حصار نشد و آتن هم بعد از حمله‌ی ایرانیان دارای حصار گردید.

ارسطو در خصوص حصار می‌گوید:

”حصار برای شهرها لازم نیست، چون مردم حس جنگجویی و دفاع را از دست می‌دهند“

هم‌چنین افلاطون معتقد بود:

”شهرها نباید محصور باشند، زیرا باروها به خاطر اطمینان کاذبی که به شهروندان می‌دهند، نمی‌گذارند که شهروندان خود برای حفاظت مجتمع چاره‌ای بیاندیشند“

۴. محلات مسکونی: تفاوت فاحش میان عظمت ساختمان‌های عمومی نظیر آکروپولیس و ساختمان‌های اطراف آگورا و فضاقت و بی‌نظمی و سست بودن معماری مناطق مسکونی، ویژگی اصلی شهرهای یونانی بود. (اولین تمدنی است که در آن، خانه در مقابل شهر اهمیتی ندارد) (ارسطو معتقد بود که خانه فضای زنانه و کودکانه است).
* خانه‌های مسکونی یونان، به دلیل شرایط اقلیمی گرم و خشک درون‌گرا بودند.

۵. یک یا چند محل تفریحی - فرهنگی: به عنوان مثال مراسم بزرگ تئاتر در فضای باز در «آدیتوریا» اجرا می‌شد که دارای شیب مناسب و طبیعی بود. هم‌چنین سالن سرپوشیده‌ی تئاتر (Odeon) و مثال دیگر سالن سرپوشیده‌ی «Bueluterion» که مکان گردهمایی سیاسی شهروندان بوده است.

۶. یک منطقه‌ی مذهبی: علاوه بر آکروپولیس

۷. اسکله و بندر

۸. یک منطقه‌ی صنعتی

* نکته: «پرینه» بهترین نمونه‌ی شکل‌گیری این عناصر در کنار یکدیگر است. (البته به جز ۲ مورد آخر)

۳-۵ عیوب و نواقص شهرهای یونانی (عوامل افول و زوال شهرهای یونانی)

- حقیر شمردن تجارت: اقتصاد تمدن یونان بر پایه‌ی بازرگانی بود، ولی رابطه‌ی تنگاتنگ دولت‌شهرها با روستا سبب شد که آن‌ها به کشاورزی بپردازند. و نیز رودخانه‌های موجود پهن نبودند که سبب حاصل‌خیزی شوند و بستر سنگی داشتند که باعث شد مرتع شکل نگیرد.

- در اقلیت بودن شهروندان: در اوج شکوفایی آتن، شهروندان تنها $\frac{1}{7}$ جمعیت را تشکیل می‌دادند \Leftarrow مشارکت پایین

- گسترش برده‌داری

- محدودیت‌های ذاتی دموکراسی: بین دموکراسی و پوپولیسم (عوام‌فریبی) مرز بسیار نامشخص و کمی وجود دارد، و دموکراسی به راحتی به عوام‌فریبی تبدیل می‌شود. مصداق: در یونان دموکراسی مستقیم بود. مصداق بارز این موضوع تنزل رتبه و تبعید رهبران تواناتر بود که نقطه‌ی اوج آن محاکمه و اعدام سقراط می‌باشد. (دموکراسی به رأی اکثریتی است که گاهی به خطا می‌روند!)

این ۴ عامل و به خصوص عامل چهارم سبب گردید تا افلاطون نظریه‌ی خود را ارائه دهد.

۳-۶ شرحی بر نظریات افلاطون

- افلاطون اولین آرمانشهر را در طول تاریخ مطرح می‌کند. اصول یا ویژگی‌های آرمانشهر مدنظر او عبارتند از:
۱. پذیرفتن مقوله‌ی تفاوت بین انسان‌ها \Leftarrow دلیل بر وجود طبقات اجتماعی در شهر آرمانی وی (\Leftarrow دیکتاتوری فیلسوف)
 ۲. اتخاذ حرفه یا شغل توسط افراد به صورت مادام‌العمر \Leftarrow بیان‌گر نظام کاستی یا سلسله‌مراتبی و طبقه‌بندی اجتماعی
 ۳. فدا کردن زندگی شهروند در مقابل شهر \Leftarrow شهر مهم‌تر و برتر از شهروند است. (شهر - دولت)
 ۴. ارائه‌ی دیدگاهی مبتنی بر یک استبداد مطلق هندسی \Leftarrow اصول انحصاری برای ویژگی‌های هندسی
 ۵. اصرار بر اصل عملکردی بر اساس تقسیم کار

مورد اول در واقع به معنای وجود طبقات اجتماعی در شهر آرمانی افلاطون است. این طبقات عبارتند از:

- الف. طبقه‌ی زر یا طلا (اندیشمندان و فیلسوفان که بالاترین طبقه هستند)
 - ب. طبقه‌ی نقره (شامل جنگجویان و سپاهیان)
 - ج. طبقه‌ی برنز یا مفرغ (مردم عادی اعم از شهروند، صنعتگر، کشاورز، تاجر و ...)
- جامعه‌ی افلاطون رهبر یا پیشوا دارد (طبقه‌ی زر). او جامعه‌ای دیکتاتوری را ارائه می‌دهد که یک متفکر و فیلسوف رهبر آن است. کاملاً مخالف دموکراسی. (افلاطون می‌گفت: دموکراسی‌ای که استاد من را بکشد خوب نیست!)

در **مورد دوم** هم نظام کاستی را بیان می‌کند. یعنی نظامی مبتنی بر سلسله‌مراتب و طبقه‌بندی اجتماعی.

- او در رابطه با **مورد چهارم** ویژگی‌های شهر را توصیف می‌کند که عبارتند از:
- شهر باید کوچک و خودکفا باشد (با دموکراسی قبل از او هم مطابقت دارد)
 - تعداد شهروندان باید ۵۰۴۰ نفر باشد. (دلیل انتخاب این عدد آن است که ۵۰۴۰ بر اعداد ۱ تا ۹ بخش پذیر است.)
 - شهر و روستا باید به صورت شعاعی و با تقسیمات ۱۲ گانه تقسیم‌بندی شوند.

* افلاطون به طور جزئی وارد مباحث کالبدی نمی‌شود.

۳-۷ شرحی بر عقاید و آراء ارسطو

او شاگرد افلاطون بود و تا حدودی دیدگاه‌های افلاطون را تعدیل می‌کرد. او مانند افلاطون معتقد است که شهر باید کوچک باشد. وی می‌گفت:

”اندازه‌ی دولت‌شهر باید چنان باشد که ساکنین آن بتوانند آزادانه و با اعتدال از لذت اوقات فراغت برخوردار شوند.“

او نسبت به تجار و بازرگانان دیدگاه منفی شدیدی داشت و معتقد بود که باید آگورای آن‌ها (تجار) جداگانه باشد. به عبارت دیگر معتقد بود که آگورای اصلی شهر جای بحث و گفتمان است نه تجارت و کسب و کار. در مقایسه با افلاطون باید گفت که ارسطو نظریه‌ی شهر آرمانی ارائه نمی‌دهد، بلکه پیشنهادهایی برای ساختار فیزیکی شهر موجود مطرح می‌کند.

۳-۷-۱ پیشنهادهای ارسطو در خصوص بافت شهر

همه‌ی شهر نباید با خطوط مستقیم یا شبکه‌ی شطرنجی طرح‌ریزی شود، بلکه فقط باید برخی از محلات و مناطق شطرنجی باشند و بخش‌های دیگر به صورت ارگانیک رشد کنند. ترکیب این دو باعث ترکیب امنیت و زیبایی می‌شود.

↪ شبکه‌ی شطرنجی — امنیت

↪ رشد ارگانیک — زیبایی

۳-۸ چند نمونه از شهرهای دوره‌ی هلنی

یونان اروپایی — آتن، اسپارت، المپیا، کوس، دلفی، کورنت و ...
آسیای صغیر — میلئوس، پرینه، کانیروس

- **سلینوس** که در سیسیل غربی واقع شده و دارای شبکه‌ی شطرنجی بوده است (خیلی دورتر از سرزمین یونان)
- **الینتوس** که بر ساحل شمالی دریای اژه واقع است و دارای شبکه‌ی شطرنجی است.

* نکته: به طور کلی فرم شهری دوره‌ی یونان هلنی مبتنی بر قبول این آموزه بود که شهرسازی در واقع هنری عملی است. یعنی به بحث‌های زیبایی‌شناسی کاری نداشتند که ناشی از نظریات ارسطو بوده است.

۳-۹ یونان دوره‌ی هلنیستی

وضعیت شهرهای یونانی در عصر هلنیستی مشابه با شهرهای دسته‌ی دوم یونان دوره‌ی هلنی است. یعنی از پیش طراحی شده بود، با این تفاوت که نظم و انضباط دقیق‌تر و مشخص‌تری داشت. به طور کلی شهرسازی هلنیستی مبتنی بر دو آموزه‌ی کلی بود:

۱. چشم انداز: یعنی ایجاد سهم معینی از فضاهای عمومی باز در محلات پرتراکم و مسکونی

۲. محور طولانی: کشیدن خیابان‌های پهن و بلند. مثل خیابان «کاتوپیک» در شهر اسکندریه^۱ (با عرض ۳۰ متر)

۳-۹-۱ تفاوت میان ابنیه و آثار معماری در یونان هلنی و هلنیستی

آثار معماری یونانی هلنی نظیر آکروپولیس یا تمام مجسمه‌هایش را می‌توان از همه‌ی زوایا مشاهده نمود، اما بناهای عمومی هلنیستی را تنها باید از خیابان تماشا کرد. به بیان دیگر در دوره‌ی هلنی دور تا دور بنا فضای باز وجود داشت، ولی در دوران هلنیستی حداکثر از دو بر می‌شد بنا را دید.

۳-۹-۲ تفاوت میان شهرهای هلنی و هلنیستی

در شهر هلنی، هر شهروند نقش فعالی را ایفا می‌کرد، اما در شهر هلنیستی شهروند منفعل بود و دستور می‌گرفت که چه کند. از این پس شهر خود را به عنوان صحنه‌ای برای تبلور یک نمایش زیبا و کارا از دست می‌دهد و به صورت نمایشگاهی مجلل و باشکوه، همراه با خیابان‌های پهن و بلند و آثار معماری باشکوه برای به تصویر کشیدن قدرت اسکندر و جانشینان او در می‌آید. در نتیجه در عصر هلنیستی با این‌که جنبه‌ی بیرونی شهر یا کالبد شهر از نظم و پیوستگی بالایی برخوردار بود، اما سیر شهروندی و زندگی درون شهر (محتوای شهر) رو به زوال نهاد، چرا که شهر و قدرت‌های مستبد آن در مقابل مردم قرار گرفتند.

شهر هلنیستی	شهر هلنی
شهروند منفعل	شهروند فعال (در حیات سیاسی شهر شرکت دارند)
شهر نمایشگاهی است مجلل از قدرت حاکمان	شهر صحنه‌ای است برای حضور شهروندان
کالبدی فخیم و باشکوه، گرچه از حیث محتوی تهی است	دارای کالبد نه چندان زیبا اما واجد محتوای متعالی
لـ غلبه کالبد بر محتوا	لـ غلبه محتوا بر کالبد

گرچه این تمایز بین کالبد و محتوا در میان شهرهای اروپایی و آسیایی دوران هلنی نیز وجود دارد، اما این تمایزات بین شهرهای هلنی و هلنیستی به اوج خود می‌رسد.

مامفورد: "چون در دولت‌های دیکتاتور دست دولت مستقیماً در جیب مردم است، به خرج کردن و ساخت بناها و شهرهای باشکوه و مجلل مبادرت می‌ورزند، در صورتی که در دولت‌های دموکرات ساخت بناهای عظیم به منزله‌ی خوردن پول مردم است که از آن اجتناب می‌شود"

^۱ شهری هلنیستی در شمال مصر

۳-۹-۳ ویژگی شهرهای هلنیستی

۱. شبکه‌ی منظم خیابان‌ها
۲. افزایش تدریجی تعداد آب‌نماها
۳. تئاترها
۴. آب لوله‌کشی
۵. بهبود ترافیک
۶. درخت‌کاری در شهر
۷. ایجاد پارک‌های عمومی
۸. گرایش به ساختن ابنیه و عمارت‌های باشکوه
۹. وجود حصار

* موارد ۲ تا ۶ همان مفهوم «میلان شهری» است، به همین دلیل برای اولین بار این مفهوم در شهرهای هلنیستی مطرح می‌شود.

۴-۹-۳ معرفی چند شهر هلنیستی

- **اسکندریه** واقع در شمال مصر
- **دورا اورپوس**: یک شهر نبوده بلکه به شهرهایی گفته می‌شود که در منطقه‌ی بین‌النهرین ساخته می‌شدند.
- **پرگامون** که در ترکیه‌ی امروزی واقع است (ترکیه‌ی آسیایی)
- **انطاکیه** در سوریه. (البته امروزه وارد ترکیه شده است)

فصل چهارم:

تمدن روم

۴-۱ تمدن روم (از سال ۷۵۰ قبل از میلاد تا قرن ۵ میلادی)

به دلیل وجود رودخانه‌ی تیبر در سرزمین روم، این تمدن یک تمدن رودخانه‌ای و اقتصاد آن مبتنی بر کشاورزی است.

فرهنگ و تمدن روم مبتنی بر برده‌داری بوده است. در واقع در تمدن روم برده یک ابزار به حساب می‌آمده است. (مانند خرید و فروش، جنگ‌های خونین با هم، جنگ با حیوانات و ...) و از آن‌جا که اقتصاد روم به طور کلی مبتنی بر بازرگانی و تجارت بود، اصطلاحاً گفته می‌شود بازرگانی مبتنی بر برده‌داری بوده است، چرا که کار تجارت را هم برده‌ها انجام می‌دادند.

مکان اولیه‌ی شهر رم، شهر هفت تپه نامیده می‌شود که «پالاتین» و «کاپیتولین» دو مورد از مهم‌ترین تپه‌ها هستند که قبل از همه مورد سکونت قرار گرفتند.

به طور کلی تاریخ تمدن روم را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد :

۱. دوره‌ی پادشاهی (سال ۷۵۳ قبل از میلاد تا ۵۱۰ قبل از میلاد)
۲. دوره‌ی جمهوری (سال ۵۰۹ قبل از میلاد تا ۲۷ قبل از میلاد)
۳. دوره‌ی امپراتوری^۲ (سال ۲۷ قبل از میلاد تا ۳۳۰ میلادی)

دو دیدگاه یا نظرگاه کلی راجع به تمدن روم وجود دارد. یکی دیدگاه طرفدار و دیگری دیدگاه منتقد و مخالف.

دیدگاه منتقدان : از اصلی‌ترین منتقدان این تمدن لوئیس مامفورد است. از نظر او رومیان هرگز کار بدیع و نویی انجام ندادند، بلکه هر آن‌چه را که پیش از آنان ایجاد شده بود (مثلاً در هند، یونان و ...) در مقیاس بزرگتر و غول‌آستری به کار گرفتند.



دیدگاه طرفداران : مهم‌ترین نماینده‌ی آن‌ها «پاول زوکر» است. او می‌گوید هرچند رومیان از زبان هنری یونانیان استفاده کردند، اما در معماری و مجسمه‌سازی ارزش‌های کاملاً جدید و اصیل هنری آفریدند. مانند طاق‌های قوسی شکل که برای اولین بار در روم شاهد آن هستیم.



هر دو گروه ادعان داشتند که پیشرفت اصلی رومیان یا دستاورد اصلی آن‌ها، پایه‌گذاری و اداره‌ی چنین امپراتوری عظیمی بود که باعث گسترش تمدن شهری در سرتاسر اروپا شد.

^۱ رومیان در مقیاس شهرها به کشاورزی می‌پرداختند ولی در کل اقتصاد آن‌ها بر پایه‌ی بازرگانی بود.

^۲ اوج شکوفایی شهر رم مربوط به دوره‌ی آگوستوس بود که در این دوره (دوره‌ی امپراتوری) قرار داشت. در این دوره شهر گلین و خستی رم تبدیل به یک شهر مرمین می‌گردد. آگوستوس رم را به ۱۴ منطقه تقسیم می‌کند.

۲-۴ شهرهای رومی

① توجه: مواردی که به آن‌ها اشاره خواهد شد، چه در شهرهای قدیمی و چه در کستراها مشترک است.

توضیحی مختصر در خصوص «کسترا»

رومیان به منظور اعمال حاکمیت و حفظ امپراتوری خود در چنین پهنه‌ی وسیعی اردوگاه‌های نظامی بنام «کسترا» ایجاد می‌کردند که بعدها تبدیل به شهر می‌شدند. پس کستراها، مستعمره‌ها یا کلنی‌های ایجاد شده توسط رومیان بودند (نه در یک مکان خاص بلکه در سطح قاره‌ی اروپا) که هدف اصلی‌شان اهداف نظامی بوده است. شبکه‌ی شطرنجی داشتند و حصار دفاعی مربع شکلی آن‌ها را در بر می‌گرفت.



۱-۲-۴ ویژگی‌های عمومی ساخت و بافت شهرهای رومی

اصلی‌ترین ویژگی شهرهای رومی وجود دو خیابان عمود بر هم به عنوان ستون فقرات اصلی شهر بود. خیابان شرقی - غربی به نام «دکومانوس» و خیابان شمالی - جنوبی به نام «کاردو»
* تفاوت اصلی شهرهای رومی با شهرهای هلنیستی، تنها وجود همین دو خیابان متقاطع و عمود بر هم می‌باشد.

۲-۲-۴ سه گونه‌ی اصلی شهرهای رومی

۱. **کلنیا:** اسکان‌های نوپنیا و یا شهرهای بومی که با روم متحد شده بودند. (ساکنان آن‌ها شهروند رومی به حساب می‌آمدند). عمدتاً کستراها از این دسته بودند.
۲. **میونسیپا:** مراکز قبیله‌ای مهم که موقعیتی رسمی به آن‌ها اعطا می‌شد، اما ساکنین آن‌ها نیمه‌شهروند محسوب می‌شدند. (یعنی از تمام حقوق شهروندی برخوردار نبودند).
۳. **سیونتاس:** مراکز تجاری و اداری قبایل محلی که به شکل رومی درآمدی بودند.

* شهرهای قدیمی رومی می‌توانستند هر کدام از این سه دسته باشند.

۳-۴ شرحی بر ویژگی‌های کالبدی شهرهای رومی

عمده‌ترین ویژگی در مورد کارهای عمرانی رومی‌ها (چه در شهرسازی و چه در سایر کارهای عمرانی) مقوله‌ای بود به نام «مهندسی رومی» در مقیاسی بسیار عظیم و کلان. (دارای مقیاس ابر انسانی)

یکی از مصادیق بارز و بسیار مهم چنین کار مهندسی عظیمی، شبکه‌ی فاضلاب شهر رم بوده است که تا همین امروز کارکرد خود را حفظ کرده است.

از دیگر ابداعات رومی‌ها در زمینه‌ی امور مهندسی ساختن ابنیه‌ی چند طبقه و پرازدحامی بود تحت عنوان «اینسولا». هر اینسولا شامل ۵ آپارتمان یا «سناکولا» بود.

به طور کلی در شهرهای رومی دو گونه‌ی کلی مسکن وجود داشت :

۱. اینسولا : بلوک‌های آپارتمانی که اکثریت مردم در آن زندگی می‌کردند و معمولاً ۳ الی ۴ طبقه بودند.
 ۲. دومیوس : خانه‌های ویلایی برای اسکان تک‌خانوار که خانواده‌های ممتاز در آن زندگی می‌کردند.
- * با وجود این دو نوع مسکن، شهر رم از نظر ساخت کالبدی اساساً شهری غیرطبقه‌بندی شده است. یعنی فقیر و غنی در کنار هم زندگی می‌کردند.
- به علت فروریختن برخی از اینسولاها به دلیل ارتفاع زیاد، ژولیوس سزار در دوره‌ی جمهوری به منظور کاهش خطر دائمی فرو ریختن ساختمان‌ها، محدودیت ارتفاعی ۷۰ فوت (۲۰ متر / حدود ۷ طبقه) را برای ساختمان‌ها وضع کرد.
- کلید واژه : مناطق عملکردی

یکی از برجسته‌ترین هنرهای مهندسی رومی مقوله‌ی «راه‌سازی» بوده است. چه در درون شهر و چه بین شهرها. علت اصلی آن هم وسعت امپراتوری آن‌ها است، و نیاز به راه برای برقراری ارتباط. شبکه‌ی ارتباطی داخل شهرها به سه صورت بودند :

۱. ایتینرا (Itinera) : گذرهایی بود مختص عابر پیاده
 ۲. آکتوس (Actus) : گذرهایی که فقط یک گاری قادر به عبور از آن بود
 ۳. ویا (Viae) : گذرهایی که دو گاری هم از آن قادر به عبور بودند
- * «ویا نوا» و «ساکرا ویا» دو نمونه از مهم‌ترین ویاها در شهر رم هستند.

۴-۳-۱ عناصر اصلی شهرهای رومی

۱. فروم یا میدان عمومی : هیچ ویژگی و سیمای مهم تازه‌ای را نمی‌توان در فروم یافت که نتوان آن را در آگورای یونانی بازشناخت. آنچه که انسان در فروم می‌یابد تمرکز عظیم‌تر و فعالیت‌های گوناگون (نظیر پرستشگاه‌ها و معابد، تالارهای دادگستری، خانه‌های شورا، فضاهای باز جهت داد و ستد و ...) با درجه‌ای بالاتر از نظم و انضباط و هم‌چنین گسترش و بزرگ‌نمایی هرچه بیشتر است.

توجه به این نکته الزامی است که کارکرد تجاری و بازرگانی از سویی، و کارکرد حکومتی از سوی دیگر در فروم نسبت به آگورا بسیار پررنگ‌تر بوده است. حال آن‌که در آگورا کارکرد اجتماعی و عمومی اهمیت بیشتری داشته است.

با نگاه به معماری بناهای عمومی و دولتی رومی که در اطراف فروم قرار گرفته‌اند، به این نتیجه می‌رسیم که مهم‌ترین ویژگی آن‌ها **مقیاس** آن‌ها است.

«عناصر اصلی شهر رومی»

۱. فروم
۲. ترما (گرمابه)
۳. حصار
۴. اسکله یا بندرگاه (پورتی)
۵. بازار
۶. مکان‌های تفریحی

معرفی چند فروم مهم شهر رم :

رومانوم ماگنوم ← اولین فرومی که شکل می‌گیرد. با پیشینه‌ای تجاری و کاملاً سلطنتی ژولیوم ← به امور قضایی و کیفری اختصاص داشته است. (توسط ژولیوس سزار) آگوستی ← دارای عملکرد حقوقی و توسط آگوستوس شکل می‌گیرد. وسپاسیان ← کتاب‌خانه‌ی عمومی و محل مناظرات ادبی بوده است. تراپانی ← آخرین و باشکوه‌ترین فروم که پادشاه تراجان آن را بر اساس طرحی از آپولودروس دمشقی ایجاد می‌کند. دارای عملکرد کاملاً سلطنتی

پاول زوکر در خصوص فروم «ترایانی» می‌گوید :

” این فروم توفیق کامل رومیان در دو مفهوم را نشان می‌دهد؛ تقارن و محورگرایی “

۲. گرمابه (ترما) : گرمابه‌های رومی یکی از مهم‌ترین فضاهای عمومی در روم به حساب می‌آمدند و عملکردی مانند فروم داشتند (کارکرد عمومی). ترماها در ابتدا به منظور بهداشت ایجاد شدند، اما به تدریج به صورت مکانی برای تفنن و پرکردن زمان‌های بی‌کاری و فراغت مردم شهر در آمد. از آن‌جا که بزرگترین خدایی که رومیان پرستش می‌کردند «تن» بود، لذا این مکان، مکانی محبوب بود.
* یکی از معروف‌ترین ترماهای رومی «کاراکالا» می‌باشد.

۳. حصار شهر : تمامی کستراها به دلیل کارکرد نظامی خود دارای حصار بودند. این حصارها کاملاً طراحی شده بودند و به هیچ عنوان از عوارض زمین تبعیت نمی‌کردند، بلکه بر آن مسلط و چیره بودند. (درست بر خلاف حصار شهرهای یونانی که کاملاً انعطاف‌پذیر بود.)

شهر رم هم با وجود این که شهری قدیمی بود، اما دارای حصار بود. در واقع شهر رم ۷ بار و توسط ۷ دیوار محصور گشته بود (چون هفت تپه داشت). از بین این حصارها، مهم‌ترین آن‌ها دیوار «آرلین» بود که در پاسخ به حمله‌ی بربرها ساخته شده بود. اما برخی دیگر از شهرهای قدیمی روم دارای حصار نبودند.

۴. اسکله یا بندرگاه (پورتی) : رومی‌ها به دلیل بازرگانی و واردات کلان به اسکله نیاز داشتند. (بازرگانی و تجارت آن‌ها از نوع واردات است، چون استعمارگر بودند.)

۵. بازار : از آن‌جا که اقتصاد آن‌ها مبتنی بر بازرگانی بود، لذا حضور بازارها در این دوره پررنگ است.
باسیلیکا ← ساختمانی با کارکرد تجاری که همانند بازار عمل می‌کرده است.

۶. مکان‌های تفریحی : رومی‌ها تمدنی خوش‌گذران بودند، که در این رابطه می‌توان به مصادیق کالبدی زیر که برای رخداد هیجانانگیز و خوش‌گذرانی‌های زندگی رومی شکل گرفته بود اشاره کرد :

- سیرک : مهم‌ترین عنصر بود و معروف‌ترین آن‌ها سیرک «ماکسیموس» بود. (رومی‌ها معتقد بودند که وظیفه‌ی مهم هر پادشاه برپایی سیرک‌ها و تغذیه‌ی مردم است.)
- مسابقات ارابه‌دوانی
- جنگ‌های دریایی در دریاچه‌های مصنوعی
- نمایش‌های گلاادیاتوری
- نمایش‌های صامت (به دلیل وسعت فضا، صدای آن شنیده نمی‌شد.)

۴-۴ معرفی شهرهای دوره‌ی امپراتوری روم

- **آوستا و اوستیا** که هر دو دارای شبکه‌ی شطرنجی هستند و در سرزمین ایتالیا واقع شده‌اند.
- **پمپئی** که در قرن ۶ ق.م. به عنوان یک کلنیای رومی تأسیس شد، اما فرم آن اساساً مربوط به دوران هلنیستی می‌باشد. شکل شهر حالت بیضوی یا تخم مرغی دارد و شبکه‌ای شطرنجی داشته به عنوان یک مرکز فرهنگی - تفریحی به ایفای نقش در مقیاس منطقه‌ای می‌پرداخته است و در نهایت در اثر آتشفشان مدفون شده است.
- **تیمگاد** شهری دارای کارکرد نظامی که امپراتور تراجان آن را در شمال قاره‌ی افریقا می‌سازد. این شهر که حدوداً در سال ۱۰۰ میلادی ساخته شده، دارای طرح شطرنجی بوده و لوئیس مامفورد آن را اوج شهرسازی رومی معرفی می‌کند. چرا که شهر تیمگاد تماماً شطرنجی نیست و بخشی از شهر به صورت طبیعی رشد کرده و همین امر تیمگاد را زیبا جلوه می‌دهد.
- **آگوستا تروروروم** (ترایر) که توسط آگوستوس بنا نهاده شد.
- **آگوستودونوم** که به خواهر و رقیب رم مشهور بوده است.
- علاوه بر این شش شهر، رومی‌ها در **بریتانیا** نیز تعدادی کلنی یا شهر جدید ایجاد می‌کنند که عبارتند از :
 - **کمولودونوم** (کولچستر) که نخستین کلنیای بریتانیایی است و مستطیل شکل بوده و حصار نداشته است.
 - **لندینیوم** (لندن امروزی) که به عنوان یک پایگاه نظامی و مرکز تجاری تأسیس شد.
 - **کلوا آتریانوم** (سیلچستر) که یک باغ‌شهر (به دلیل وجود فضاهای باز زیاد) رومی بریتانیایی بوده. (دارای حال و هوای شهری - روستایی)
 - **ونتا سیلوروم** (کائرونِت)
 - **لیندم** (لینکلن)
 - **ورولامیوم** (سن‌آلبان) یک مرکز تجاری موفق بوده است. تنها میونسپالیتوم بریتانیایی رومی بوده.
 - **کورینیوم** (سیرنستر) ابتدا کسترای نظامی بوده ولی بعدها به دلایل تجاری به یک سیویتاتس جدید برای قبایل محلی تبدیل می‌شود. (با نام جدید کورینیوم دوبانوروم)
 - **ویرگونیوم** (راگستر) که دارای حمام‌های اعجاب‌انگیز بوده است. دارای سبک معماری باشکوه و از حیث تجارت شهری موفق
 - **کسترا و اسکان‌های شهری «هاوس استید»**
 - **قسطنطنیه** در محل شهر باستانی بیزانتیوم (در ترکیه‌ی امروزی) که در سال ۳۲۴ میلادی ساخته شده و پایتخت امپراتوری روم شرقی به حساب می‌آمد. (با اهمیت یافتن هرچه بیشتر قسطنطنیه از اهمیت رم کاسته شد) دارای ۳ حصار بوده و بافت آن ترکیبی از رشد ارگانیک و شبکه‌ی شطرنجی بوده است. ساختار کلی آن به شکل Y می‌باشد.

طبقه‌بندی مردم در شهرهای رومی

۱. پاتریسین‌ها : ساکنان اولیه‌ی شهر و طبقه‌ی برتر شهر بودند.
۲. پله‌بین‌ها : ساکنین بعدی، یعنی افرادی که بعدتر به شهر اضافه می‌شوند و عمدتاً حق رأی نداشتند.



۴-۵ پایان تمدن روم

در سده‌ی ۳۰۰ میلادی (۳۳۰ یا به نظر عده‌ای دیگر ۳۹۵ م.ب) سرزمین روم به دو امپراتوری غربی و شرقی تقسیم می‌شود. نهایتاً تمدن روم (منظور روم غربی یا ایتالیای امروزی) دچار گسیختگی شده و در اثر حمله‌ی بربرها (ژرمن و گوت / از سمت فرانسه و جنوب آلمان) در سال ۴۱۰ میلادی فروپاشیده می‌شود، اما هم‌چنان روم شرقی به فرماندهی کنستانتین در محل شهر باستانی بیزانتیوم (قسطنطنیه یا استانبول امروزی)، تا سال ۱۴۵۳ میلادی به حیات خود ادامه می‌دهد، تا این که توسط ترکان عثمانی منقرض می‌گردد. به بیان مامفورد: بدین ترتیب تمدن عمیق هلنی و تمدن رومی با هم از بین رفتند. در صورتی که در شرق این تمدن تا ۱۰۰۰ سال دیگر ادامه می‌یابد..

نقل قول‌هایی چند درباره‌ی تمدن روم

لوئیس مامفورد: ” روم ← ظرف منفی برای زندگی “
پاتریک گدس: ” روم ← انگل شهر “

«میدان مسابقه» و «گرمابه»، هدیه‌ی رومیان به تاریخ مدنیت است.



فصل پنجم:

قرون وسطی

۱-۵ قرون وسطی یا سده‌های میانه (از قرن ۵ تا ۱۵ میلادی)

بعد از فروپاشی امپراتوری روم غربی، دوره‌ای در تاریخ اروپا از قرن ۵ تا ۱۵ میلادی (۱۰۰۰ سال) وجود دارد که به آن سده‌های میانه یا قرون وسطی گفته می‌شود. به طور کلی قرون وسطی به دو دوره تقسیم می‌شود:

۱. عصر ظلمت (قرن ۵ تا ۱۰ میلادی)

۲. عصر ایمان (قرن ۱۱ تا ۱۵ میلادی)

۱-۵-۱ شرحی بر قرون وسطای ابتدایی

در این دوره با تخلیه‌ی شهرهای قدیمی و از بین رفتن نظام شهری مواجه هستیم. در واقع نظام شهری جای خود را به نظام خانی می‌دهد، که ما آن را تحت عنوان فئودالیت می‌شناسیم. فئودال‌ها در روستاها، کوه‌ها و دشت‌ها ساکن هستند؛ یعنی جایی خارج از شهر. در نتیجه تمرکز و حضور وسیع مردم در یک مکان مشخص بنام شهر، جای خود را به پراکندگی جمعیت در زمین‌های فئودالی می‌دهد. فئودال به مردمی که به سمت او می‌آیند جا و کار می‌دهد، و در مقابل مردم نیز به مانند افرادی رعیت‌پیشه برای او خدمت می‌کنند. بدین ترتیب اقتصاد مبتنی بر بازرگانی و برده‌داری در روم، جای خود را به اقتصاد کشاورزی (زمین‌داری) در قرون وسطی می‌دهد.

• مفهوم ملوک‌الطوایفی

در فقدان حکومت متمرکز مرکزی و به علت وجود تعداد کثیری از فئودال‌ها (یا همان حاکمان محلی) حکومت‌های محلی شکل می‌گیرند. به سبب وجود مفهوم ملوک‌الطوایفی و حکومت‌های محلی، مفهومی تکوین پیدا می‌کند تحت این عنوان:

« مالکیت زمین تنها از آن فئودال است »

یکی از مهم‌ترین اصول اقتصادی آن دوران مالکیت بر زمین است. فئودال هیچ‌گاه زمین خود را ترک نمی‌کند، رعیت او نیز به دلیل وابستگی بسیار شدید به زمین، به هیچ‌وجه اجازه‌ی ترک زمین را نداشت.

چرا رعیت نمی‌توانست زمین فئودال را ترک کند؟



دلیل اول) به دلیل وجود روابط چهره به چهره، نزد فئودالی دیگر جایی نداشتند.

دلیل دوم) در زمین‌های حد واسط زمین‌های فئودالی امنیت وجود نداشت.

تفاوت فئودالیت در ایران و اروپا

۱. در ایران زمین‌داران به جای روستا در شهر سکونت داشتند.
۲. در ایران حکومت مرکزی این قدرت را داشت که زمین‌ها را از زمین‌دار بگیرد.

در ایران ← خان یا زمین‌دار
در اروپای قرون وسطی ← فئودال

این ماندگاری و پای‌بندی اجباری به فئودال و زندگی و کار در زمین‌های او، سبب می‌گردید تحرکات اجتماعی در سطح پایینی به وقوع بپیوندد و از این ره تغییر چندانی در زندگی حاصل نگردد. نتیجه آن که عدم رشد ابزار آلات را شاهد هستیم.

مهم‌ترین قانون حاکم بر فئودالیت، به رسمیت شناختن مالکیت است و عدم مصادره‌ی آن (وجود مفهوم استقلال) یعنی عدم امکان سلب مالکیت. بنابراین نمی‌توان از اصطلاح فئودالیت در ارتباط با تاریخ ایران استفاده کرد، چرا که در ایران واژه‌ی زمین‌داری مصداق پیدا می‌کند.

منبع اصلی درآمد فئودال‌ها زمین است، و به غیر از کار کشاورزی هیچ اقدام دیگری انجام نمی‌دادند. پس در این دوره بازار هم شکل نمی‌گیرد. یعنی نه تنها اقتصاد کارگاهی و کارخانه‌ای نیست، بلکه فقط در بهترین حالت می‌توان از اقتصاد خانگی نام برد. در اقتصاد خانگی عنصری به نام پول وجود ندارد و مبادله به صورت کالا به کالا است.

به طور کلی نظام طبقاتی آن دوران شامل دو طبقه‌ی اصلی بود، ۱. فئودال و ۲. سِرُو البته طبقه‌ی سومی هم تحت عنوان «مباشر»، به عنوان واسطی بین این دو طبقه بود.

۵-۱-۲ آموزه‌های نظری قرون وسطای ابتدایی (بررسی آموزه‌های مسیح)

هم‌زمان با غلبه‌ی مسیحیت در سرزمین‌های اروپایی که مقارن با دوران ابتدایی قرون وسطی است، فضاهایی که با اصول و راه و روش‌های زندگی مسیحیت در تضاد بودند، نظیر تئاتر، میدان ورزشی و حمام، ارزش خود را از دست دادند. در مقابل شکل تازه‌ای از شهر، تحت نفوذ رهبانیت یا عوامل الهی ایجاد شد. این شکل تازه‌ی شهری صومعه یا کلنی رهبانی نام داشت. صومعه در واقع گونه‌ی تازه‌ای از شهر و یا یک نهاد شهری است. نهاد یا انجمنی است برای برادری یا نزدیکی مردمی هم‌فکر برای نیل به یک زندگی مسیحی‌وار.

به تدریج و با گذر زمان، عنصری شاخص تحت عنوان «کلیسا» در درون صومعه رخساره نمود. این کلیسا به تدریج نقشی را که در گذشته ارگ یا کاخ پادشاهی ایفا می‌نمود، به عهده گرفته و به تدریج قدرتمندتر می‌گردد، تا جایی که خود به فئودالی بزرگ بدل شد، و نه تنها زمین‌های زیادی را تحت مالکیت خود درآورد، بلکه عامل اصلی مشروعیت بخشی به شیوه‌ی زندگی فئودالی گردید.

• جمع‌بندی و نتیجه‌گیری قرون وسطای ابتدایی

۱. فروپاشی نظام شهری
۲. شکل‌گیری نظام فئودالی
۳. جلوه‌نمایی عنصری جدید به نام «کلیسا»

- * نکته: نخستین صومعه‌ها در ابتدای قرون وسطی شکل گرفت.
- * نکته: صومعه یک نقطه و مجتمع زیستی بوده است، نه یک بنای معماری

۵-۱-۳ شرحی بر دوره‌ی دوم قرون وسطی

در این دوره با پیدایش و شکل‌گیری شهرها روبه‌رو هستیم. فرایند شکل‌گیری این

شهرها به شرح زیر است :

نگرانی و ترس از تاخت و تازها و حملات (از قبیل حمله‌ی اعراب در جنگ‌های صلیبی و تهاجمات نرماندی‌ها از جانب اروپای شرقی) (ترس سروها و ایجاد این سؤال در ذهن آن‌ها که چه باید کرد؟)



جدایی‌گزینی و پراکندگی جمعیت مطابق الگوی ملوک‌الطوایفی دیگر برای دفاع در برابر تهاجمات جوابگو نیست!



فکر تمرکز در مکانی مشخص و تحت حفاظت حصارها و دیوارها در اذهان عموم مردم شکل می‌گیرد.

(ایده‌ی اولیه‌ی شکل‌گیری شهرها)



مشکل پیش رو ← مالکیت متمرکز فئودال بر زمین‌ها



راه حل ← دادن امتیاز و رشوه به فئودال‌ها برای تصاحب یا اجاره‌ی بخشی از زمین‌های او



راه حل عملی‌تر ← ایجاد قشری جدید تحت عنوان بازرگان و تاجر (کولی : به معنای خانه به دوش، از آن جهت که به زمین وابسته نبودند)



نتیجه ← انباشت سرمایه و ثروتی اندک در نزد تاجران و بازرگانان (کولی‌های سابق)



مذاکره و چانه‌زنی با فئودال‌ها برای اجاره‌ی بخش کوچکی از زمین‌های او



نتیجه ← تشکیل بازارهای روزانه، هفتگی و ماهانه (موقتی)



سپس ایجاد حصاری نه چندان بادوام (در واقع پرچین) در اطراف این بازارها شکل گرفت



ایجاد مفهومی به نام Urb (جایی است که مردم در آن داد و ستد می‌کنند، اما هنوز سکونت دائم در آن شکل نگرفته است)



سپس اجازه‌ی سکونت دائمی گرفتند



هم‌چنین اجازه‌ی ضرب سکه (با وعده‌ی حک کردن تصویر فئودال بر روی آن) ← شکل‌گیری بازار دائمی (Market Place)

و نیز تهیه‌ی مهر مخصوص Urb برای مواقعی که پول در دسترس نبود. (چیزی شبیه به چک)



تفاوت گیلدها در ایران و اروپا

۱. در ایران اصناف طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها را در بر می‌گرفت ولی در اروپا گیلدها فقط در زمینه‌ی فعالیت‌های اقتصادی (تجارت و داد و ستد) فعال بودند.
۲. در ایران اصناف تحت نظارت و سلطه‌ی حکومت مرکزی بودند، درحالی‌که در اروپا گیلدها استقلال حقوقی و شخصیتی داشتند.

در ایران ← اصناف
در اروپای قرون وسطی ← گیلد

* نکته : سابقه‌ی تشکیل نخستین شوراهای شهر، به قرون وسطی باز می‌گردد.

اجازه‌ی تشکیل دادگاه (جهت حل و فصل نمودن جرایم و عدم مزاحمت برای فنودال)



با پرداخت پول سنگین حق اداره‌ی مکانی را که در آن ساکن هستند مطالبه کردند



نتیجه ← شکل‌گیری شوراهای صنفی که دارای استقلال شخصیتی و حقوقی بودند
وظیفه‌ی این شوراهای نظارت بر مبادلات بود که به آن‌ها «گیلد» گفته می‌شود.



تشکیل شهرداری‌ها و شوراهای شهری



(بدون هماهنگی با فنودال!!!) تدوین منشورهای شهری و شهروندی



در این مرحله، کلیسا حضور خود را در مرکز شهر اعلام می‌نماید



مطالبه‌ی نهایی از فنودال‌ها: ایجاد حصار دائمی در اطراف سکونتگاه‌ها



نتیجه ← شکل‌گیری شهر دائمی یا به عبارتی «بورگ» (Burg)

زین پس در این بورگ‌ها مردمانی زندگی می‌کنند بنام «بورژوا» که روابطشان با یکدیگر نه بر مبنای خون و اصل و نسب، که بر مبنای پول است.
بورگ‌ها به مثابه آزادشهرها یا شهرهای آزاد عمل می‌کنند که تنها معیار تعیین کننده در آن‌ها «پول» است. شکل‌گیری بورگ‌ها در قرن ۱۱ و ۱۲ میلادی است. ماکس وبر می‌گوید: Community مورد نظر من بورگ‌های قرون وسطی است.

به طور کلی در فاصله‌ی سال‌های قرن ۱۱ تا ۱۵ میلادی ۳ گونه شهر در سرزمین‌های اروپایی ایجاد شدند:

۱. شهرهای باقی‌مانده از روزگاران رومی (شهرهای رومی مبدأ)

۲. شهرهای روستا مبدأ (روستاهایی که به تدریج رشد کرده و تبدیل به شهر می‌شوند).

۳. مهاجرنشین‌ها یا کوچ‌نشین‌ها که خود بر سه دسته بودند:

۱. باسئیدها

۲. شهرهای نوینباد

۳. باروها

- بورگ‌ها از لحاظ کالبدی یا به صورت دسته‌ی اول بودند، یا دسته‌ی دوم.
- بورگ‌ها به تدریج شکل می‌گرفتند، اما شهرهای دسته‌ی سوم به یکباره ایجاد می‌شدند.
- باسئیدها عمدتاً در فرانسه، انگلستان و ولز احداث می‌شدند، و دارای عملکرد نظامی بودند.
- شهرهای نوبنیاد در سرتاسر اروپا، با اهداف تجاری ایجاد می‌شدند.
- باروها تحت عنوان پادگان نظامی احداث می‌شدند و سپس عملکرد و وجهه‌ی تجاری پیدا می‌کردند.

۵-۲ فرم و عناصر شهرهای قرون وسطایی (همه‌ی شهرها)

۱. حصار با برج‌ها و دروازه‌های مربوطه: این حصارها در شهرهای اروپایی به جز کشور انگلستان نقش دفاعی داشتند (عملکرد اصلی نظامی - دفاعی). علاوه بر آن در سایر شهرهای اروپایی عملکرد دوم تجاری هم داشتند. در انگلستان حصارها نقشی تجاری داشتند و عاملی بودند برای اخذ گمرکات. چون انگلستان سرزمین ایمنی بود و مشکل غارت و دفاع نداشت.

* نکته: این حصارها از نظر شکلی کاملاً از عوارض زمین تبعیت می‌کردند، یعنی ارگانیک بودند. به همین دلیل حصارهای شهرهای قرون وسطی اشکال مختلفی داشتند.

در این دوره علاوه بر حصار، قلعه نیز در بعضی از شهرها شکل گرفت. اما عمومیت حصار را نداشتند. در واقع حصار نسبت به قلعه هم قدمت بیشتر و هم عمومیت بیشتری دارد.

۲. خیابان‌ها و سایر فضاهای تردد: آمد و شد در شهرهای قرون وسطایی اساساً به صورت پیاده بود، به همین دلیل در اوایل این دوره برخی از مسیرها را جهت سهولت حرکت سنگ‌فرش می‌کردند. نکته‌ی دیگر در مورد این فضاهای تردد پیش‌آمدگی افراطی طبقه‌ی بالای ساختمان‌ها در داخل گذر یا خیابان بود. این امر به حدی بود که افراد در ساختمان‌های مقابل می‌توانستند دست هم را بفشارند. دلیل این استفاده‌ی افراطی از فضا، کمبود زمین بود، چرا که زمین‌های اطراف در اختیار فئودال بود.

۳. فضای بازار: این فضا شامل بازار و یک سری ساختمان‌های تجاری می‌شد. بازار در این دوره حالت تخصصی نداشت، بلکه محور ارائه‌ی تمامی فعالیت‌های مورد نیاز یک شهروند بود.

* نکته: هسته‌ی پیدایش شهرهای قرون وسطایی مسائل تجاری بود. شاید اندیشه‌ی اولیه دفاعی بود، ولی با شکل‌گیری بازارها است که شهر عینیت پیدا می‌کند.

۴. صحن کلیسا: کلیسا عنصر مسلط بر شهرهای قرون وسطایی است و کارکردی مذهبی - سیاسی داشته، ولی در جلوی کلیسا فضای بازی وجود داشت به نام «پارویس» که دارای عملکرد تجاری بود.

۵. ساختمان‌ها و باغات خصوصی: گرچه در شهرهای قرون وسطی باغ عمومی چندانی به چشم نمی‌آید، اما پر از باغ‌های خصوصی است.

«عناصر اصلی شهر قرون وسطی»

۳. حصار با برج‌ها و دروازه‌ها
۴. خیابان‌ها و سایر فضاهای تردد
۵. فضای بازار
۶. صحن کلیسا (پارویس)
۷. ساختمان‌ها و باغات خصوصی
۸. تالار شهر و شهرداری
۹. کلیسای جامع یا کتدرال (Cathedral)

۶. **تالار شهر و شهرداری:** تالار شهر (محل تجمعات شورای شهر) و ساختمان شهرداری در مرکز شهر قرار داشت.

۷. **کندرال (کلیسای جامع):** این عنصر نیز در مرکز شهر قرار داشت و تنها بنای قرون وسطی است که دارای مقیاسی ابر انسانی بوده است.
* به طور کلی در شهرهای قرون وسطی مقیاس انسانی است و ساختار شهرها مبتنی بر حرکت عابر پیاده شکل می‌گیرد.

۵-۳ ویژگی عمومی شهرهای ارگانیک قرون وسطی (یعنی ۲ دسته‌ی اول) یادآوری: به طور کلی بافت شهرهای قرون وسطایی ارگانیک است، ولی شهرهای دسته‌ی سوم طراحی شده هستند.

مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده‌ی فرم این شهرها عبارت بود از:

الف. محدوده‌های مالکیت فئودالها (عامل مصنوعی)

ب. راه‌های ارتباطی (عامل مصنوعی): چون هسته‌ی اولیه‌ی این شهرها تجارت بود، در جایی شکل می‌گرفتند که تعداد راه‌های زیادی وجود داشته باشد.

ج. محدودیت‌های طبیعی عوارض زمین (عامل طبیعی)

اساساً فرم و کالبد شهرهای دو دسته‌ی اول به صورت ارگانیک، غیر طراحی شده و خود انگیخته بود، به همین دلیل رشدی آهسته و تدریجی داشتند.

شهرهای ارگانیک سده‌های میانه به گونه‌ای شکل می‌گرفت که همه‌ی خطوط به سمت مرکز یا هسته‌ی شهر هم‌گرایی داشت. یعنی همه چیز به مرکز شهر ختم می‌شد. نمونه‌ی بارز آن شهر «سینه‌نا» است که کل خطوط شهر به میدان مرکزی منتهی می‌شده که نامش «کاسیو» است.

* مصداق آگورا یا فروم در قرون وسطی پارویس (فضای تجاری مقابل کلیسا: Market Place) است.

یادآوری: کلیسا، تالار شهر و شهرداری در مرکز شهر قرار داشتند.

مامفورد در خصوص شهرهای قرون وسطی می‌گوید:

”یکی از تصورات اشتباه عموم مردم این است که فکر می‌کنند شهرهای قرون وسطایی در داخل حصار بیش از اندازه متراکم بوده‌اند، درحالی‌که چنین تصویری نادرست است و این شهرها بیشتر شبیه به دهکده یا شهرهای کوچک هستند تا یک مرکز تجاری شلوغ. علت این امر نیز وجود باغات خصوصی و درختان میوه‌ی بی‌شمار در شهر است.“

۵-۴ نمونه‌ای از شهرهای واقعی قرون وسطی (۲ دسته‌ی اول)

• **آکسفورد:** قدمت دانشگاه آن بیشتر از شهر آن است.

• **کمبریج:** شهر و دانشگاه با هم شکل گرفتند.

• **یورک:** تنها شهری است که نه تنها محدوده‌ی حصار قرون وسطایی خود را حفظ کرده، بلکه هم‌چنان بافت متراکم و پیچیدگی خاص فرم شهری قرون وسطایی را در مقیاس کوچکی حفظ کرده است. (نمونه‌ی زنده‌ی شهر قرون وسطایی)

• **ساوت‌همپتون:** شهر قرون وسطایی از نوع سلطنتی

- **چستر:** یک شهر بندری بسیار مهم، گرچه ریشه‌ی رومی داشته (دارای حصار مستطیل شکل از زمان روم)
- **کارلیز:** ساختار کلی شهر به شکل Y بوده است.
- **بروژ** (در بلژیک)
- **بولونیا** (در ایتالیا)
- **فلورانس** (در ایتالیا)
- **ونیز** (در ایتالیا)
- **سپه‌نا**
- **ادین‌بورو** (در انگلستان)

* نکته: به شهرهای بزرگ قرون وسطایی یا به تعبیر دیگر به بورگ‌های قرون وسطایی دولت‌شهر نیز گفته می‌شود؛ چراکه «خود فرمان» بودند.

۵-۵ شرحی بر نوشهرهای قرون وسطی (شهرهای دسته‌ی سوم)

۵-۵-۱ باستیدها

تمام نوشهرهایی که در قرن ۱۳ میلادی (اواخر قرون وسطی) در فرانسه، انگلستان و ولز بر اساس طرحی از پیش اندیشیده شده (شطرنجی) و با اهداف خاص نظامی در درجه‌ی اول و نیز اهداف تجاری در درجه‌ی دوم احداث شدند، «باستید» گفته می‌شود. این باستیدها عمدتاً مربع شکل بودند.

سه اصل یا ویژگی عمده‌ی باستیدها عبارت بود از:

۱. بر اساس فرم‌های از پیش طراحی شده شکل می‌گرفتند.
۲. دارای بافت یا سیستم شطرنجی بودند.
۳. انگیزه‌ی اصلی برای سکونت در یک باستید، واگذاری یک قطعه زمین مسکونی در داخل شهر و یک قطعه زمین مزروعی در خارج از شهر و برخی امتیازات اقتصادی دیگر بود.

* به جز چند مورد استثنایی همه‌ی باستیدها محصور بودند. (چراکه ریشه‌ی نظامی داشتند)

۵-۵-۱-۱ باستیدهای فرانسوی

در همه‌ی باستیدهای فرانسوی، دو ساختمان اصلی در مرکز شهر دیده می‌شد:

۱. کلیسای جامع (کندرال) ۲. شهرداری
- عمارت شهرداری در واقع یک ساختمان ۲ طبقه بود که طبقه‌ی هم‌کف آن به صورت یک بازار عمل می‌نمود.

- **اگ مورته:** بندری موفق بود. از آن‌جا که کانال ارتباطی این بندر و دریای مدیترانه به علت افزایش رسوبات آبرفتی مسدود شده بود، این بندر در میان خشکی قرار گرفته و از رونق افتاد.
- **کارکاسون و مونپازیه** که هر سه‌ی این باستیدها حصار داشتند.

۵-۱-۵-۲ باستیدهای انگلیسی

تنها ۲ باستید در انگلستان ساخته شده است. وینچلسی و کینگستون اپون هول

- **وینچلسی:** به عاقبت آگ مورته دچار شد.
 - **کینگستون اپون هول:** بندری موفق بود که تا زمان معاصر هم این نقش را ایفا کرده است.
- * این باستیدها جزء محدود باستیدهایی بودند که حصار نداشتند، و دلیل آن امنیت موجود در سرزمین انگلستان بود.

۵-۱-۵-۳ باستیدهای ولز

- **فلینت** که اولین باستید ولزی است.
- **کائرنارون** ← دژ - شهر

۵-۵-۲ شهرهای نوبنیاد

۵-۲-۵-۱ شهرهای نوبنیاد انگلیسی

شهرهای نوبنیاد دو تفاوت اساسی با باستیدها داشتند. عملکرد و فرم طراحی شهرهای نوبنیاد می‌توانستند بر اساس طرحی قبلی طراحی شوند، و یا این که فاقد طرح باشند. به عبارتی برخی دارای طرح و برخی ارگانیک بودند. عملکرد اصلی شهرهای نوبنیاد تجاری بود، و فقط در موارد معدودی عملکرد مذهبی داشتند.

* **بیشترین تعداد شهرهای نوبنیاد در انگلستان ساخته شدند یا شکل گرفتند.**

- **کانوی:** اولین و پرخرج‌ترین شهر نوبنیاد در انگلستان بوده است. (ساخته شده بود)
- **سالیزبری:** شهری مذهبی بوده. یعنی انگیزه‌های دینی در شکل بخشیدن به آن نقش داشته و کلیسای جامع آن به نام کتدرال سالیزبری از بناهای معروف است. هم‌چنین تنها شهری است که عملیات ساختمانی کلیسای جامع آن در دوره‌ی گوتیک آغاز و در همان دوره خاتمه می‌یابد.

۵-۲-۵-۲ شهرهای نوبنیاد آلمان شرقی

اکثر شهرهای غرب آلمان (آلمان غربی) در واقع رشدی ارگانیک داشته‌اند (یعنی در زمره‌ی شهرهای دسته‌های اول و دوم بوده‌اند)، اما اکثر شهرهای شرقی آلمان مستعمره‌هایی بودند برای شهرهای آلمان غربی. نمونه‌ی بارز آن **نیو براندن بورگ** است. این شهر نوبنیاد طرح شطرنجی داشته و ساخت آن دایره‌ای بوده است.

۵-۲-۵-۳ شهرهای نوبنیاد جمهوری (دولت‌شهر) فلورانس

«ترا موراتا» (نوشهرهای حصاردار) ← این نوشهرها از نظر فرم کالبدی و زیربنای اجتماعی - اقتصادی شباهت بسیاری به باستیدهای فرانسه دارند.

۵-۲-۴ شهرهای نوبنیاد زاهرینگر (محدوده‌ی آلمان)

شهر آفنبورگ تنها شهر مهم از این دسته است.

۵-۲-۵ شهرهای نوبنیاد بوهم جنوبی (چک اسلواکی)

این دسته از نوشهرها بدون تغییر از زمان قرون وسطی باقی مانده‌اند.

- **چک بود جویس**: مهم‌ترین شهر
- **چک کروملو**: یک دژ - شهر ۳ بخشی بوده است.
- **تabor**: شهری نوبنیاد که بر اساس یک آیین اجتماعی نوین برپا شده بود و آن آیین برابری همه‌ی مردم بوده است.
- **تلک**: چندین بار دچار آتش‌سوزی شده است.

معرفی دو کتاب

* «شهرسازی قرون وسطایی» نوشته‌ی پروفیسور توت

* «جمعیت قرون وسطای انگلیس» نوشته‌ی راسل



۵-۶ نهاد‌های شهری قرون وسطی (هدایای قرون وسطی به تاریخ مدنیت)

۱. **گرمابه‌ی خصوصی**: پیش از آن نیز گرمابه‌ی خصوصی بوده، ولی جامعیت نداشت.

۲. **بیمارستان**: قبلاً هم بود، ولی در این دوره عمومیت می‌یابد.

۳. **آسایشگاه**: چیزی همانند تیمارستان کنونی

۴. **پرورشگاه**

۵. **مکان‌های نگهداری سالمندان**

۶. **اصناف و شوراها**: سابقه‌ی هر دو به قرون وسطی برمی‌گردد. (در جریان شکل‌گیری

بورگ‌ها پدید می‌آیند.)

۷. **کلیسا**: که مهم‌ترین نهاد شهری در این دوران بوده است.

۸. **دانشگاه**: مهم‌ترین نهاد خارج از حیطه‌ی قدرت کلیسا

۵-۷ نکات تکمیلی

- از آغاز قرن ششم میلادی (یعنی ابتدای قرون وسطی)، لغت «سیویتاتس» به شهر اسقفی اطلاق می‌شد، یعنی همان صومعه.
- به قرن ۹ میلادی (که پایان دوره‌ی اول قرون وسطی است)، اقتصاد بدون بازار یا اقتصاد وابسته‌ی داخلی هم گفته می‌شود. (چرا که در این دوره شهر وجود نداشت)
- به قرن ۱۱ میلادی (دوره‌ی دوم) اصطلاحاً اقتصاد مبتنی بر بازار گفته می‌شود.
- صنعت قرون وسطی در انگلستان، پارچه‌ی پشمی، ذغال سنگ و آهن بوده است.
- ویژگی خانه‌ها در این دوره :
- در این دوره خانه‌ها معمولاً ۲ یا ۳ طبقه بودند، پشت به باغات داشتند. ردیفی بودند (مجزا نبودند). که این موضوع به ۲ دلیل بود :
- ۱. محدودیت‌های مالکیتی و طبیعی
- ۲. دلایل امنیتی؛ یعنی به خاطر دفاع بهتر در کنار هم قرار می‌گرفتند.
- یکی از مشخصه‌های بارز خانه‌ها فقدان فضای متمایز یا خصوصی درون خانه‌ها بوده است.
- در سده‌های میانه، علت وجودی شهرها جاده‌های ارتباطی بوده است. چرا که هسته‌ی اولیه‌ی این شهرها تجارت بود، بنابراین وجود جاده‌های ارتباطی بسیار مهم می‌نمود. درحالی‌که در دوره‌های بعد، به خصوص در دوره‌ی انقلاب صنعتی و پس از آن، این شهرها بودند که خطوط ارتباطی را ایجاد می‌کردند.
- یکی از میدان‌های مهم که آغاز شکل‌گیری آن در قرون وسطی است، میدانی است به نام «سن مارکو» در شهر ونیز.

※ نکته : از دوره‌ی انقلاب صنعتی به بعد است که خیابان نقش خود را به عنوان مکانی برای تعاملات اجتماعی از دست می‌دهد.

نظر لوئیس مامفورد در خصوص میدان «سن مارکو» :

”این میدان نمونه‌ی کمال یافته و کامل رشدی طبیعی و ارگانیک است. یعنی حاصل ساخته‌ها و فراورده‌های طبیعی ذهن و ناشی از نیازهای مردمان اعصار گوناگون. حاصل این که هیچ انسان هوشمندی قادر نیست چنین فضایی را به وسیله‌ی خط کش و پرگار و در مدت زمانی کوتاه ترسیم نماید.“

فصل ششم: دوره رنسانس

۱-۶ رنسانس (از اوایل قرن ۱۵ تا ۱۸ میلادی)

بنابر دیدگاه‌های گوناگون تاریخ شروع دوره‌ی رنسانس با اتفاقات زیر تعریف شده است:

۱. کشف قاره‌ی امریکا در سال ۱۴۹۳ میلادی
۲. نابودی و تخریب حصارهای شهر قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳ میلادی
الف. مهاجرت اندیشمندان یونانی و رومی و ... به سرزمین‌های اروپایی
ب. پیش‌برد علم مهندسی رزمی و نظامی در احداث حصارهای محکم و چند لایه
۳. طراحی «بیمارستان فوندلینگ» توسط برونلسکی در سال ۱۴۱۹ میلادی (در حیطة‌ی معماری)
برخی هم معتقدند: طراحی گنبد کلیسای «ساتتا ماریا» در فلورانس در سال ۱۴۲۰ میلادی توسط برونلسکی
۴. طراحی خیابان «ویانو» در شهر جنوا با محدوده‌های مسکونی اطراف در سال ۱۴۷۰ میلادی (در حیطة‌ی شهرسازی)
۵. اختراع دستگاه چاپ توسط جان گوتنبرگ در سال ۱۴۵۰ میلادی
کشف نوشته‌ها و آثار «وایتروویوس» معمار معروف رومی و گسترش و پخش آن‌ها در بین معماران و هنرمندان دوره‌ی رنسانس از طریق توسعه‌ی صنعت چاپ.

اتفاق نظر است که نقطه‌ی شروع رنسانس از شهر فلورانس در کشور ایتالیا بوده است. (فلورانس خود یک دولت‌شهر قرون وسطایی بود).

لئونارد بنه‌ولو در ارتباط با آغاز دوره‌ی رنسانس به سه عامل با اهمیت زیر تأکید می‌کند:

۱. پایان جنگ‌های صلیبی
۲. نوآوری‌های فنی در کشاورزی (پیشرفت ابزار و بعد هم کشاورزی، باعث پیشرفت شهری شد)
۳. رونق یافتن و اوج‌گیری شهرهای بندری (مقارن با رونق بازرگانی و تجارت بوده است)

برخی دیگر از نظریه‌پردازان نیز به دو عامل دیگر در پیدایش دوره‌ی رنسانس اشاره کرده‌اند:

۱. پایان یافتن بیماری طاعون (با پیشرفت بهداشت)
۲. پایان جنگ‌های ۱۰۰ ساله‌ی اروپایی (عمدتاً بین فرانسه و انگلیس)

۶-۱-۱ شرحی مختصر بر دوره‌ی رنسانس

رنسانس از لحاظ لغوی به معنای تجدید حیات است. «از نو باب شدن»

جیمز موریس این دوره را در قالب چهار بخش تقسیم‌بندی می‌کند:

۱. رنسانس نخستین (۱۴۲۰ تا ۱۵۰۰) (تا حدودی با قرون وسطای متأخر هم‌پوشانی دارد)
۲. رنسانس پسین (۱۵۰۰ تا ۱۶۰۰)
۳. باروک (۱۶۰۰ تا ۱۷۵۰)
۴. روکوکو یا نئوکلاسیک (۱۷۵۰ تا ۱۹۰۰)

در دوره‌ی رنسانس یکی از مهم‌ترین عوامل، توجه به فردیت بورژواها است. فردیتی که زین پس واجد ویژگی‌ای یگانه است؛ اندیشیدن^۱ که شک^۲ و تردید نسبت به مفاهیم قبلی از قبیل کلیسا و سنت را به دنبال خود دارد. نتیجه آن که بر اساس محوریت یافتن «عقلانیت» و «خرد باوری»، دیدگاه زمینی می‌شود و مفاهیم آسمانی جای خود را به مفاهیم زمینی می‌دهد.^۳

به طور کلی در تاریخ با دو مفهوم مواجه هستیم: گسست و انقطاع

- گسست یعنی بخشی از گذشته را نادیده می‌گیریم ولی بخشی دیگر را پررنگ می‌کنیم، و به هر حال به گذشته ارجاع می‌دهیم.
- انقطاع یعنی قطع کردن رابطه با هر آنچه که مربوط به گذشته است. یعنی هیچ ارجاعی به گذشته وجود ندارد. (مانند مدرنیست‌ها)

در رنسانس با مفهوم «گسست» روبه‌رو هستیم. بدین ترتیب که قرون وسطی را نادیده می‌گیرند و یونان و روم را پررنگ می‌کنند. البته به طور دقیق‌تر باید گفت که رنسانس خود را به یونان وصل می‌کند و باروک خود را به روم ارجاع می‌دهد.

تحولات دوره‌ی رنسانس به طور کلی در ۴ حیطة اتفاق افتاده است: اقتصاد، سیاست، فرهنگ و کالبد

اقتصاد خانگی دوره‌ی قرون وسطی جای خود را به اقتصاد کارگاهی دوره‌ی رنسانس می‌دهد. چون در این دوره با افزایش تولید روبه‌رو می‌شویم که به دنبال آن ابزارهای جدید شکل می‌گیرند، و به دنبال آن سرعت بیشتر تغییرات. در نتیجه تحركات اجتماعی بیشتر و گسترده‌تر می‌شود.

از آن‌جا که تولید افزایش پیدا می‌کند، سرزمین‌ها قابلیت تأمین مواد اولیه را ندارند، بنابراین به دنبال یافتن مکان‌هایی به منظور تأمین این مواد اولیه بوده‌اند. در نتیجه شاهد کشف سرزمین‌های جدید مانند قاره‌ی امریکا هستیم، و در نتیجه مفهوم استعمار و استثمار شکل می‌گیرد.

^۱ جمله‌ی معروف رنه دکارت: "من می‌اندیشم، پس هستم."

^۲ اساس و بنیان فلسفه‌ی دکارتی: به تنها چیزی که شک ندارم، خود شک است!

^۳ متافیزیک (ماوراء الطبیعه) ← اومانیسیم (انسان‌باوری)

سیاست: مهم‌ترین تحول سیاسی در دوره‌ی رنسانس شکل‌گیری دولت‌ها و امپراتوری‌های عظیم است. و بهای آن سرکوب و نابودی کامل فتودال‌ها است. (اومانسیم ← یک‌پارچگی ملی ← لزوم وجود امپراتوری‌ها)

فرسنگ: مهم‌ترین تحول در دوره‌ی رنسانس تحول فرهنگی است. یعنی تغییر مفاهیم فرهنگی ناشی از زاده شدن «تفکر». به بیان دیگر، شک در آموزه‌های پیشین و در پی آن ابداع مفاهیم نو.

کالبد: در دوره‌ی رنسانس هیچ‌گونه تحولات کالبدی گسترده از نوع مداخلات سنگین و جدی در بافت‌های موجود شهری، یا انجام طراحی‌های گسترده در بافت کهن، یا تأسیس نوشهرها یا کلنی‌های نظامی صورت نگرفت، بلکه در مقابل تنها تغییراتی جزئی را در بافت موجود شهر سبب شد. در واقع شهرسازی دوره‌ی رنسانس یعنی وصله بینه‌هایی به بافت موجود که نظم و زیبایی را در ساختار شهر وارد نماید.

۶-۱-۲ شرحی بر شهرسازی دوره‌ی رنسانس

شهرسازان رنسانس از ۳ عنصر برای ایجاد نظم و زیبایی برای طراحی بافت شهر

بهره می‌بردند:

۱ خیابان اصلی مستقیم

۲ ایجاد مناطق با شبکه‌ی شطرنجی

۳ ایجاد فضاهای بسته

همراه با این ۳ عنصر، ۴ اصل نیز در طراحی‌های دوره‌ی رنسانس وجود دارد که

عبارتند از:

۱. **تقارن:** اعتقاد رنسانسی‌ها به تقارن گاهی حالت مضحک و افراطی پیدا می‌کرد. به عنوان مثال در یکی از میداین شهر رم به نام پیاتزای «دل پوپولو»، ۲ کلیسای دقیقاً یک شکل و هم‌سان در دو سوی پیاتزا بنا کردند.

تفاوت میدان (Square) و پیاتزا (Piazza)

پیاتزا در ایتالیا فضایی است کاملاً عمومی با انواع فعالیت‌های تفریح، وقت‌گذرانی، غذا خوردن و ... ولی میدان در انگلیس فضایی رسمی است و عملکردهای مذکور در پارک‌ها رخ می‌دهد.



۲. **انسداد مناظر:** یعنی قرار دادن ستون‌های یادبود یا مجسمه‌های کوچک و مناسب در مسیر خیابان‌های بلند و مستقیم. این امر برای جلوگیری از یک‌نواختی و ایجاد تنوع بود که یکی از ویژگی‌های دوره‌ی رنسانس است.

۳. **ترکیب ساختمان‌های منفرد** به صورت یک واحد منسجم معماری با تکرار یک طرح واحد نما

۴. **تئوری پرسپکتیو:** بعد سوم در دوره‌ی رنسانس در نقاشی‌ها و بعد هم در کارهای حجمی دیده شد.

۱-۲-۱-۶ بررسی عناصر سه گانه

۱ خیابان اصلی مستقیم

عملکرد اصلی آن در دوره‌ی رنسانس، تسهیل تردد است. گرچه این عنصر بعدها در دوره‌ی باروک نقشی به مراتب با اهمیت‌تر یافت. در دوره‌ی رنسانس علاوه بر توجه به عملکرد خیابان و چگونگی جانمایی آن در بافت کهن، خیابان به مثابه یک تمامیت معماری و عنصری زیبا نیز مطرح بوده است.

۲ شبکه‌ی شطرنجی

شبکه‌ی شطرنجی که به طور کلی به عنوان قدیمی‌ترین نظم‌دهنده‌ی فرم شهری به حساب می‌آید، در دوره‌ی رنسانس سه کارکرد بسیار مهم ایفا می‌کرد:

۱. اساس و پایه‌ی مناطق مسکونی بوده و به شهرهای موجود افزوده می‌شده است.
۲. اساس طرح تعدادی نوشهر بوده است. (این نوشهرها اغلب در دوره‌ی باروک شکل گرفته و به طور کلی در دوره‌ی رنسانس نوشهر چندانی ساخته نشده است)
۳. به همراه یک شبکه‌ی خیابان اصلی، برای طرح کلی سایر نوشهرها به کار می‌رفته است.

در این دوره شبکه‌ی شطرنجی علاوه بر کارایی و ایجاد قطعات برابر در تقسیم زمین، واجد کیفیتی زیباشناختی نیز بوده است؛ وسعت منظر (وسعت منظر یعنی گشودگی فضایی به سمت نما و فضایی زیبا)

* معروف‌ترین این مناطق شطرنجی که معرف مفهوم وسعت مناظر (علاوه بر ویژگی‌های عملکردی) می‌باشد، خیابان و محدوده‌ی «پرنس» (شهری انگلیسی) است.

۳ فضاهای بسته

در بریتانیا به فضای بسته Square، در ایتالیا Piazza و در فرانسه Plaza گفته می‌شود. این فضاهای بسته بر حسب عملکرد ترافیکی خود به سه دسته تقسیم می‌شدند:

۱. فضاهای تردد: جزئی از شبکه‌ی ارتباطی شهر بوده که هم به وسیله‌ی پیاده‌ها و هم اربابه‌های اسبی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. (مثل دل پوپولوی رم)

۲. فضاهای مسکونی: برای تأمین دسترسی محلی به وجود آمده و علاوه بر این نقش عملکردی، فضای تفریحی لازم را نیز برای پیاده‌ها مهیا می‌نموده است. نمونه‌ی مشخص از چنین فضاهایی نخستین میدان شهر لندن و احتمالاً معروف‌ترین آن‌ها، تحت عنوان «کاونت گاردن» (Covent Garden) است.

۳. فضاهای پیاده: غالباً به عنوان میدان و محل تجمع عمومی در مقابل ساختمان‌های مهم عمومی، مذهبی و یا سلطنتی شهر بوده است. مانند پیاتزای «سن پیترو» در شهر رم که فضای مقابل کلیسای سن پیترو بوده است. یا مثل پیاتزای «کاپیتولین» در رم و یا میدان «سن مارکو» در ونیز و یا حتی خود شهر ونیز.

فضاهای رنسانس اعم از ترددی، مسکونی و یا پیاده، در مواقع بسیاری علاوه بر کارکردهای فوق، تنها به عنوان نماد و عنصری زیبایی‌بخش نیز به حساب می‌آمدند. به عنوان مثال هم‌چون زمینه‌ای برای زیباتر جلوه دادن یک مجسمه، یک بنای یادبود و یا یک ساختمان مهم به کار گرفته می‌شدند.

انواع فضاهای بسته بر حسب عملکرد ترافیکی عبارتند از:

۱. فضاهای تردد
۲. فضاهای مسکونی
۳. فضاهای پیاده

به طور کلی این فضاهای بسته تحت تأثیر سه نوع ساختمان قرار داشتند:

۱. ساختمان‌های عمومی یا مذهبی
۲. ساختمان‌های مسکونی
۳. بازار و سایر ابنیه‌ی تجاری

۳-۱-۶ برخی از ویژگی‌های طراحی شهرها در دوره‌ی رنسانس

- اهمیت یافتن بسیار مفهوم میدان به عنوان مرکز ثقل و مشخصه‌ی اصلی شهر
- تعریض اندک برخی از گذرها به منظور ایجاد نظم و زیبایی بیشتر در بافت
- توجه ویژه به مقیاس انسانی (مانند یونان)
- اعتقاد افراطی به مقوله‌ی متقارن‌سازی (مانند روم)
- تأکید بسیار بر کوتاه و مستقیم بودن خیابان‌ها
- توجه جدی به مقوله‌ی تزئین خیابان‌ها از طرق گوناگون نظیر سنگ‌فرش کردن، پله‌های سنگی، فواره‌ها، تندیس‌ها و ...
- توجه دقیق و جدی به اصل محصوریت فضاها (به علت ایجاد احساس آرامش در انسان)
- توجه ویژه به اصل پیوستگی فضاها (شهر باید به صورت یک کل یک‌پارچه باشد)
- توجه ویژه به پیرایش و سادگی که تلقین‌کننده‌ی آرامش و پایداری باشد. (برخلاف قرون وسطی و باروک)
- تمایل به نظم (برای همین از شبکه‌ی شطرنجی استفاده می‌شود). (برخلاف قرون وسطی)
- برخلاف روم و باروک قصد خودنمایی ندارد، بلکه دارای مقیاس انسانی است و نمی‌خواهد خود را از طریق بناهای بلند مرتبه و بزرگ به رخ بکشد.

۴-۱-۶ شرحی بر «حصار» شهرهای رنسانسی

اختراع توپ‌های جنگی و به دنبال آن نابودی شهر قسطنطنیه به دست ترکان عثمانی در سال ۱۴۵۳ میلادی آغازگر عصر جدیدی در تاریخ حصارهای نظامی بود. از این زمان به بعد، ایجاد استحکامات مناسب و کافی مستلزم ایجاد فاصله‌ی افقی و فزاینده میان محدوده‌ی شهر و حد بیرونی حصار شهر بود.



علاوه بر مقوله‌ی فاصله‌ی افقی، با ایجاد حصارهایی با اشکال مورب، ستاره‌ای شکل، هشت ضلعی و ... سعی کردند که از شدت ضربات وارده بکاهند. فاصله‌ی حصار از شهر به این دلیل بود که اگر گلوله‌ی توپ از حصار رد شد، به خود شهر برخورد نکند، و دیگر این‌که این اشکال برای حمله و دفاع بهتر است. * نکته: تا قبل از رنسانس حصارها فقط جنبه‌ی تدافعی داشتند، ولی از رنسانس به بعد حصارها هم حالت تدافعی داشتند و هم حالت تهاجمی.

● جمع‌بندی

سقوط قسطنطنیه ۲ تأثیر مهم و مستقیم بر رشد شهرسازی دوره‌ی رنسانس داشت:

۱. مهاجرت اندیشمندان کلاسیک یونانی و رومی به اروپا
۲. تشویق علم مهندسی رزمی که تأثیر آن در طرح اکثر آرمانشهرهای دوره‌ی رنسانس مشهود است.

۵-۱-۶ شرحی بر «آرمانشهرهای» دوره‌ی رنسانس

آرمانشهر وایتروویوس: وایتروویوس در دوره‌ی روم زندگی می‌کرده، ولی در رنسانس شناخته می‌شود و در این دوره طرح او در کتاب «معماری» چاپ و منتشر می‌شود. ناگفته نماند که انتشار کتاب او تأثیر بسیاری بر شهرسازی رنسانس گذاشت، از این رو به دلیل چاپ آثارش در این دوره، طرح او یک آرمانشهر رنسانسی محسوب می‌شود.

طرح او از دوایر متحدالمرکزی که در میان حصار دفاعی ۸ ضلعی محصور شده است، تشکیل می‌شد و دارای ۸ خیابان شعاعی بود که به دژهای واقع در زوایای حصارها ختم می‌شد.

بدیهی است که وایتروویوس هنگام طراحی این آرمانشهر در دوران تمدن روم، اهداف نظامی را در سر نمی‌پرورانده است، بلکه هدف اصلی او در آن زمان جلوگیری از ورود بادهای نامناسب بوده است.

آرمانشهر آلبرتی: او نخستین نظریه‌پرداز شهری دوره‌ی رنسانس است.

او شیفته‌ی خیابان‌های مستقیم و عریض بود، چرا که معتقد بود این خیابان‌ها به شکوه و جلال شهرهای موجود می‌افزایند و تردد نظامیان را تسهیل می‌کنند (نظریه‌پرداز شهرسازی نظامی). از دیگر دغدغه‌های او توجه به نورگیر بودن تمامی فضای جلوی خانه و تمامی حجم ساختمان است. او با اندیشه‌هایش تا حدودی حومه‌گرایی را در قرن ۱۹ میلادی بنیان نهاد.

آنتونیو فیلارته: وی نخستین شهر آرمانی کاملاً طراحی شده در دوره‌ی رنسانس را در

کتاب خود تحت عنوان «میانی معماری» مطرح نمود که نام آن «اسفورتسیندا» است. طرح شهر او به صورت ستاره‌ی ۸ پر محاط در درون یک دایره بود که از مرکز شهر ۱۶ خیابان شعاعی به محیط دایره ختم می‌شد.

فرانچسکو مارتینی: فعال‌ترین و پرکارترین طراح شهرهای آرمانی به حساب می‌آید.

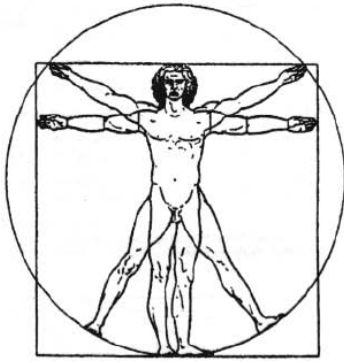
برخی هم او را آغازگر شیوه‌ی جدید مهندسی رزمی در مقابل تحول سریع توپ‌های آتشین می‌دانند.

پیتر و کاتانو: آرمانشهر او بر اساس شبکه‌ی شطرنجی است که ۶ میدان فرعی آن به

طور غیرممتقارن در سطح شهر پراکنده گردیده‌اند. وی هم‌چنین اثری دارد با نام «چهار رساله در باب معماری» که در سال ۱۵۵۴ چاپ شده است.

بون آیوتو لورینی: افزایش مداوم عمق منطقه‌ی دفاعی به منظور حفظ مناطق حاشیه‌ای

شهر از خطر آتش توپ‌های دشمن برای او مهم بوده است (افزایش فاصله‌ی مرکز شهر از حصار). آرمانشهر او یک سیستم پیچیده‌ی دفاعی با ۳ ورودی بسیار مهم است.



لئوناردو داوینچی: قوانین نسبیت

لئوناردو داوینچی: ایده‌های او در شهرسازی عبارت بود از:

ساخت شهر با تراکم جمعیتی پایین، به این صورت که جمعیت اضافی شهر اصلی به ۱۰ نوشهر که هر یک دارای ۳۰ هزار نفر جمعیت است، توزیع شود.^۱
 طرح تفکیک پیاده و سواره از هم، از طریق ایجاد مسیرهای چند طبقه در شهرها.^۲
 وی هم‌چنین در زمینه‌ی برنامه‌ریزی منطقه‌ای پیشنهاد ایجاد کانالی را در ایتالیا مطرح می‌کند.

اسکاموتسی: تنها فردی است که به نظریات آرمانی‌اش جامه‌ی عمل پوشانده است. مصداق ساخته‌شده‌ی نظریات او، شهری محصور و کوچک است به نام «پالمانوا» که در سال ۱۵۹۳ بنا شد. پالمانوا به عنوان یک پادگان نظامی در سیستم دفاعی شهر ونیز عمل می‌کرد. محدوده‌ی شهر یک ۹ ضلعی منتظم بود. میدان مرکزی آن به صورت یک ۶ ضلعی بود که مهم‌ترین ساختمان‌های عمومی در اطراف آن قرار داشت. البته تفاوت‌های جزئی بین ایده‌ی اسکاموتسی و شهر ساخته شده وجود دارد. (بیشتر در بافت)

◆ جمع‌بندی

ویژگی‌های کلی آرمان‌شهرهای دوره‌ی رنسانس:

۱. این آرمانشهرها کاملاً خیالی بوده و عمدتاً ستاره‌ای شکل هستند.
۲. به گونه‌ای حیرت‌انگیز تأثیر بسیار ناچیزی بر فرم شهرهای اروپایی آن زمان داشتند، و آن بهبود جزئی طرح تعدادی حصار بود.
۳. در طرح این آرمانشهرها تنها خیابان‌ها، میداين و حصارها دیده می‌شوند، و در آن‌ها کوچکترین اثری از سازمان و بافت خانه‌ها به چشم نمی‌خورد. به بیان دیگر مناطق مسکونی و مقوله‌های اجتماعی نادیده گرفته می‌شدند.

علاوه بر آرمانشهرهای کالبدی (چون صرفاً شکل بودند) فوق، در این دوره ایده‌ای آرمانی در ارتباط با شهرها که از نقطه نظر جامعیت و سازمان جوامع شهری بسیار کامل بوده است، از سوی «سر توماس مور» تحت عنوان «یوتوپیا» (Utopia) ارائه گردید. انگاره‌ی مدینه‌ی فاضله‌ی توماس مور سال‌ها بعد و در قرن ۱۹ تأثیر عظیمی بر متفکران شهری داشته است، که به عنوان نمونه می‌توان به ایده‌ی «ایکاریا»، شهر آرمانی مطروحه از سوی «اتین کابه» اشاره کرد، که کاملاً تحت تأثیر یوتوپییای توماس مور بود.

^۱ طرح ابنزرهاورد تحت عنوان باغ‌شهر در قرن ۱۹ شباهت بسیار زیادی با ایده‌ی داوینچی دارد.

^۲ سال‌ها بعد در قرن ۱۹، شهرسازی فرانسوی به نام اوژن هنارد با الهام از ایده‌ی داوینچی نظریه‌ی شهرهای چند طبقه را مطرح می‌کند.

۶-۱-۶ معرفی سه شهر مهم دوره رنسانس و فضاهای آن‌ها

۱ فلورانس

گرچه مبدأ پیدایش رنسانس است، اما خود دولت‌شهری قرون وسطایی بوده است. این شهر دو فضای عمومی بسیار مهم دارد، پیاترزای «دلاسنوریا» و «آنونزیاتا»

- دلاسنوریا اساساً میدانی متعلق به قرون وسطی است که در دوره رنسانس تنها بخشی از بی‌نظمی‌های آن تعدیل گردید.
- آنونزیاتا از آثار شهرسازی دوره رنسانس است که در یک ضلع آن بیمارستان فوندلینگ توسط برونلسکی ساخته شده است.

این پاتزها یا میداین فلورانس گرچه بسیار زیبا و باشکوه بودند، اما با هم نامرتب بودند، یعنی ارتباط منطقی بین آن‌ها وجود نداشت و در بسیاری موارد محیط کالبدی مناسبی آن‌ها را در بر نمی‌گرفت.

۲ رم

ورود دوره رنسانس به شهر رم مقارن است با ساخت درهای برنزی جدید کلیسای سن پیترو که توسط آنتونیو فیلارته طراحی شده بود. اما شکل‌گیری نهایی فرم شهر رم کمی بعدتر صورت می‌گیرد، در فاصله‌ی سال‌های ۹۰-۱۵۸۵، یعنی طی ۵ سال دوره‌ی اسقفی «سیکتوس پنجم». او به همراه «فونتانا» معمار و شهرساز همکار خویش، با انسجام شبکه‌ی خیابان‌های اصلی رم و تبدیل آن به یک سیستم جامع و کامل آمد و شد، ۷ کلیسای زیارتی شهر رم را به هم متصل نمود.

* توجه: طرح شهر رم در زمان سیکتوس پنجم گرچه از نظر زمانی متعلق به دوره رنسانس است، اما از حیث فرم و شیوه‌ی طرح به آثار دوره باروک بیشتر شبیه است. به راحتی می‌توان با نگاه به آن، شبکه‌های محوربندی و مثلث‌بندی باروکی را تشخیص داد.

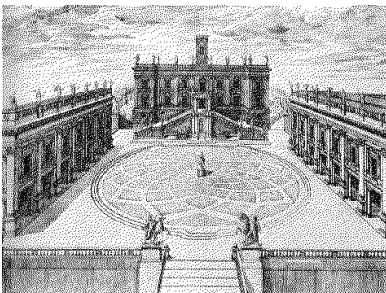
- پیاترزای کاپیتول (کاپیتولین / کامپودلیو): این پیاترا بر روی تپه‌ی کاپیتول قرار داشت و نقشه‌ی آن در دوره رنسانس توسط «میکل آنژ» طرح گردید. او در سال ۱۵۳۸ مجسمه‌ی «مارکوس آئورلیوس» را که تنها مجسمه‌ی باقی‌مانده از عهد رم

باستان بود، به عنوان **تمرکز بصری کاپیتول** بر روی پایه‌ای که خود طراحی کرده بود، قرار داد. در واقع استفاده از یک مجسمه به صورت مجرد و به عنوان مرکزیت بصری پیاترا نخستین بار توسط میکل آنژ ابداع گردید. تا پیش از آن مجسمه به عنوان بخشی از ساختمان محسوب می‌شد و حتی هرگاه که به تنهایی در مکانی قرار می‌گرفت، در حمایت ساختمان و در نزدیکی دیوارهای آن واقع می‌شد.

- پیاترزای دل پوپولو: در سمت شمال شهر قرار داشته و طرح نهایی آن توسط معمار و شهرساز فرانسوی «والادیه» ارائه شده است. سه خیابان منشعب شده از جنوب آن از مشخصه‌های این پیاترا است. آغاز این طرح توسط فردی به نام «راینالدی» است (راینالدی ← برنینی ← کارلو فونتانا ← والادیه)

برخی از نظریه‌پردازان اعتقاد دارند که اقدامات سیکتوس پنجم و فونتانا تأثیری انکار ناپذیر را بر اقدامات ناپلئون سوم و بارون هوسمان در شهر پاریس داشته است.

* اقدامات هوسمان در طرح پاریس نیز، بر مبنای «محوربندی» بود.



تصاویری از پیاترزای کاپیتول



تصاویری از کلیسا و پیاتزای سن پیترو

- پیاتزای ناونا : توسط برنینی طراحی شده است و در فاصله‌ی سال‌های ۱۶۴۷ تا ۱۶۵۱ تکمیل شده است. طرح نهایی آن مربوط به دوره‌ی باروک است.
- پیاتزای سن پیترو : این فضا در حقیقت میدان مقابل کلیسای عظیم سن پیترو است. در واقع یک مجموعه پیاتزای ۳ بخشی است که توسط برنینی طراحی، و در فاصله‌ی سال‌های ۱۶۵۵ تا ۱۶۶۷ تکمیل شده است.
- پله‌های اسپانیایی : ۱۳۶ پله‌ای که پیاتزای اسپانیایی شهر رم را به کلیسای «سانتاترینتادی» متصل می‌کرده و توسط «آلکساندرو اسپکی» و «فرانچسکو دی سانتیس» طراحی شده است. (در سال‌های ۱۷۲۱ تا ۱۷۲۵ / باروکی) به گفته‌ی پاول زوکر، این پله‌ها تنها مورد در تاریخ شهرسازی است که پله‌ها تنها به فضای باز در مقابل یک بنای یادمانی رهنمون نشده، بلکه خود نیز نقطه‌ی ثقل فضایی مهمی به شمار می‌آید.
- محور تقارن پله‌ها در قسمت بالایی پله، زیرکانه تغییر می‌یابد تا ستون یادبودی که در مقابل کلیسا بنا شده دقیقاً در محور تقارن پله‌ها قرار گیرد.

۳ و نیز

این شهر سیما و چهره‌ای کاملاً قرون وسطایی دارد. شهری است تماماً پیاده. حمل و نقل در آن از طریق آب صورت می‌گیرد. کانال معروف آن «گراند کانال» است که آبراه شهر است. پیاتزای معروف آن «سن مارکو» است که یکی از زیباترین مجموعه‌های کالبدی تاریخ شهر است. سن مارکو فضایی ۲ بخشی است که در آن برج کلیسا به عنوان نماد شهری و به مثابه مفصل این ۲ بخش را به هم متصل می‌کند. این میدان به مرور زمان شکل گرفته است.

۶-۱-۷ نقل قول‌های تکمیلی

اصل شخص ثانی : این اصل را «ادموند بیکن» مطرح می‌کند. از نظر او هر اثر بزرگی، در درون خود حاوی چنان نیروهای خلاق است که قادرند بر توسعه‌های بعدی پیرامون خود به روش‌هایی که حتی به ذهن طراح نخستین نیز خطور نکرده بود، تأثیر گذارند. به عنوان مثال شکوه و زیبایی وصف ناپذیر رواق بیمارستان فوندلینگ، علی‌رغم میل یا اکره برونلسکی در دیگر نقاط پیاتزای «آنونزیاتا» تکرار شد. از این مثال می‌توان اصل شخص ثانی را چنین بیان نمود: همیشه شخص ثانی است که تصمیم می‌گیرد که آیا طرح شخص نخست باقی بماند یا تداوم یابد، یا از بین رفته و نابود شود.

پاول زوکر : ” برخلاف قرون وسطی که رواق تنها به یک ساختمان مستقل تعلق داشت، در رنسانس رواق‌ها به فضای میدین وسعت بخشیده و بین حجم ساختمان‌ها و فضای خالی پیوند ایجاد می‌کردند.“

* یک تذکر مهم : گرچه شبکه‌ی شطرنجی یکی از عناصر اساسی شهرسازی رنسانس بوده، اما در آن دوره این شبکه فاقد حداقل استانداردهای بهداشتی نور، دفع فاضلاب و مواردی از این دست بوده است. در واقع بهره‌گیری از شبکه‌ی شطرنجی همراه با چنین ویژگی‌هایی مربوط به دوره‌ی انقلاب صنعتی است.

۶-۲ باروک (۱۶۰۰ تا ۱۷۵۰ میلادی)

باروک یک سبک معماری نیست، بلکه تحولی در همه‌ی زمینه‌ها است که معماری را نیز شامل می‌شود.

* «گوتیک» سبک معماری اواخر قرون وسطی است، بعد از رومانس در قرون ۹ و ۱۰ میلادی. در ترکیه هم‌زمان با گوتیک، «بیزانس» وجود داشته است.

۶-۲-۱ شرحی مختصر بر باروک

در دوره‌ی باروک از لحاظ حکومتی، اوج استبداد و قدرت‌طلبی را شاهد هستیم. اصطلاحاً این دوره، دوره‌ی تبلور امپراتوری‌ها و حکومت‌های قاهر و قدرتمند و بزرگ است. این قدرت به حدی گسترده است که حتی شهرها هم دست‌خوش تغییر می‌شوند. زین پس شهرها باید پرطمطراق، پر زرق و برق و جاه‌طلبانه ساخته شوند. به همین دلیل مهم‌ترین عنصر شهری کاخ است، کاخ به همراه باغ (مجموعه‌ی کاخ - باغ)

جهت نشان دادن این عظمت و شکوه، اصلی‌ترین نماد و حقیقت شهر باروکی خیابان‌های بی‌انتها و بسیار بلند است. از حیث کالبدی، باروک نیز هم‌چون رنسانس، بافت قدیمی و فضاهای گذشته را مورد مداخلات جدی و جراحی‌های گسترده قرار نمی‌دهد؛ بلکه اساساً چنین بافت‌هایی را رها می‌کند و به ایجاد شهرهای جدید (تعدادی محدود) و یا تعدادی فضای شهری جدید می‌پردازد.

یکی از اصول اساسی آن‌ها این بود که همه‌ی شهرهای جدید و یا مجموعه‌های شهری جدید، می‌بایست دارای مقیاس ابر انسانی باشند تا در بیننده احساس فروتنی و اطاعت را ایجاد کنند. (احساس حقارت!)

۶-۲-۲ نمونه‌هایی از شهرسازی باروک

۱. مجموعه‌ی کاخ «ورسای» در پاریس
۲. مجموعه‌ی حکومتی «کارلسروهه» در آلمان
۳. طراحی شهر واشنگتن توسط «لانفان»
۴. طرح اجرا نشده‌ی «سر کریستوفر رن» برای بازسازی لندن پس از آتش‌سوزی سال ۱۶۶۶
۵. اقدامات پاپ سیکتوس پنجم و همکارش فونتانا در رم. اگرچه از نظر زمانی رنسانسی است، اما از حیث فرم شهری باروکی است.
۶. شهر «سن‌پترزبورگ» در شوروی^۱ (نمایان‌گر قدرت پتر کبیر)

* همه‌ی این نمونه‌ها مقیاس ابر انسانی داشتند و قرار بود احساس ترس و فرمان‌برداری را در افراد ایجاد کنند.

معرفی دو کتاب

- * «تجربه‌ی مدرنیته»^۲ نوشته‌ی مارشال برمن
- * «یادداشت‌های زیرزمینی» نوشته‌ی داستایوفسکی (نویسنده‌ی روس)



^۱ بر اساس کتاب جیمز موریس، سن‌پترزبورگ یک اثر رنسانسی است. (شاید به لحاظ زمانی این‌گونه باشد!)

^۲ فصلی راجع به سن‌پترزبورگ دارد

۶-۲-۳ نکات تکمیلی در خصوص باروک

- باروک در تقابل با طبیعت، انگاره‌ی تسلط یا غلبه بر طبیعت را دنبال می‌کند. (چون می‌خواهد قدرت‌نمایی کند)
- در باروک نقطه‌ی گریز دید در بی‌نهایت تشکیل می‌شود، چون نگاه‌ها را به سمت بی‌نهایت و دوردست می‌کشاند.
- باروک و قرون وسطی به یکدیگر هیچ شباهتی ندارند. تمایزات آن‌ها را می‌توان این‌چنین فهرست کرد:

دوره‌ی باروک	قرون وسطی
هم‌سانی (تحت تأثیر قدرت پادشاه)	تنوع و تمایل به «نو» شدن
تمرکزگرایی قدرت	محل‌گرایی (ملوک‌الطوایفی)
مطلق‌گرایی قدرت حاکم و پادشاه	مطلق‌گرایی خدا و کلیسای مقدس
محدودیت‌های اعمال شده بر شهرها توسط حکام	آزادی درونی شهر (آزادشهر)
احساس ترس و فرمان‌برداری محض	برخورداری از حقوق شهروندی
اهمیت یافتن پایتخت (مقر استقرار پادشاه)	وجود آزادشهرها و قدرت ابتکار و آزادی آن‌ها
توقف و رکود در احداث شهرهای جدید ^۱	ظهور نوشهرها در قالب باستید، بارو و شهر نوینیا
حصارها دارای رشد افقی بودند (افزایش عمق دفاعی و ساخت حصار با فاصله از شهر)	حصارها به صورت عمودی وسعت می‌یافتند (به دلیل محدودیت‌های مالکیت)

- در مقابل بی‌نظمی نسبی و پراکندگی فضاهای قرون وسطی، رنسانس و باروک تمایل به نظم و انضباط داشتند. ولی برای این دو، در مفهوم و محتوا می‌توان تفاوت‌ها و تمایزاتی به شکل زیر قائل شد:

باروک	رنسانس
مقیاس ابر انسانی (مشابه روم)	مقیاس انسانی (مشابه یونان)
فضای اصلی: خیابان	فضای اصلی: میدان
به دنبال پویایی، تحرک و جنبش	به دنبال سکون، آرامش و پایداری
تسلیم، ترس و خضوع	تعادل و توازن درونی
خیابان‌ها بی‌انتهای و مناظر باشکوه	فضاها محدود (بسته) و بدون تحرک
نقطه‌ی گریز: بیرونی و در بی‌نهایت	نقطه‌ی گریز: درونی

- کشور انگلستان تنها کشوری است که باروک را تجربه نمی‌کند، چرا که از دیرباز کشوری دموکرات بوده است، به همین دلیل اولین کشوری است که انقلاب صنعتی را تجربه می‌کند.

^۱ چرا که پراکندگی و تعدد هرچه بیشتر شهرها مغایر با اصول تمرکز و تجمع قدرت حاکمیت در یک شهر تحت عنوان پایتخت بود.